

بسم الله الرحمن الرحيم

آتش آذربایجان قبل از ظهور

سناریوی آخرالزمانی «آتش آذربایجان» قبل ظهور / آغاز جنگ جهانی یا تدارک حمله از سوی دشمن به مناطق شیعی؟ / ائتلاف نظامی «اخوان الترمک» و «ولد عباس» در همسایگان شمالی ایران



کلیدواژه

مهدویت، نشانه ظهور، ایران، آتش آذربایجان، ترکیه، هرج الروم، جنگ جهانی

در این نوشتار، گزاره «آتش جنگ آذربایجان قبل از ظهور» در میراث «آینده‌پژوهی مهدوی»^۱ در کتاب معتبر «الغیبة» نعمانی^۲ از آوردگاه حدیثی، اعتبارسنجی سندی و محتوایی خواهد شد و صدا البته به مناسبت مناقشه قره‌باغ در قفقاز و جنگ آذربایجان با ارمنستان، اهمیت و ضرورت بررسی و تحلیل گزاره آتش آذربایجان - که زمان وقوع آن در علم الهی محفوظ است - دوچندان می‌شود. زیرا اگر عصر، عصر ظهور باشد؛ مومنین هر لحظه باید مختصات خویش با ظهور را نسبت‌سنجی نمایند. ضمن اینکه استراتژی «محور مقاومت شیعی» نسبت به فتنه‌ها و جنگ‌ها و دسیسه‌های دشمنان قبل ظهور، اوج آمادگی نظامی قلمداد شده است.

پرسش اساسی این است: گزاره «آتش جنگ آذربایجان» در میراث آینده‌پژوهی مهدوی، آیا به شعله‌های آغاز جنگ جهانی اشاره دارد و یا در واقع تلمیحی است به نقشه تدارک حمله از سوی دشمن به مناطق شیعی؟

سناریوی آخرالزمانی «آتش آذربایجان» قبل ظهور

در باورداشت مهدویت، ظهور امری تصادفی، تلقی نمی‌شود؛ بلکه واقعه‌ای است که با زمینه‌سازی و تمهیدات زمینه‌سازان (ممهدون) شکل می‌گیرد^۳ از اینرو در منابع فریقین، قیام‌های حق قبل از ظهور (رجل من اهل قم، خراسانی و یمانی) معرفی شده و اوصاف "ممهدون و زمینه‌سازان" ظهور در احادیث فریقین شیعه و اهل سنت نیز ذکر شده است^۴؛ در مقابل دشمنان و جبهه باطل نیز بیکار ننشسته و با ایجاد فتنه‌ها و جنگ‌ها و بحران‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و نظامی بر علیه جبهه حق دسیسه‌چینی می‌کنند. از اینرو شایسته است «حوادث پیرامونی» در محدوده جغرافیایی کشورهای نقش‌آفرین عصر ظهور با تاکید بر رویدادهای تاثیرگذار در آینده، رصد گردد تا «جامعه منتظر» برای مقابله با آنها آماده شود^۵ و «حکومت زمینه‌ساز» درباره نقشه‌ها، طرح‌ها و توطئه‌های دشمنان هشدار و آگاه سازد.^۶

۱. آینده‌پژوهی مهدوی با تکیه بر هشدارهای حدیثی در تراث اسلامی و محور قرار دادن گزارشات درباره فتنه‌ها و بحران‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی، امکان وقوع آنها را در «جغرافیای کشورهای نقش‌آفرین عصر ظهور» و محدوده پیرامونی این کشورها، رصد می‌کند (قربانی، تاملات آینده پژوهانه در آرمانشهر مهدوی تبیین کارکردهای آینده پژوهانه مهدویت، فصلنامه آینده پژوهی ایران، ش ۱، ص ۷۰-۷۱) و از آنجا که «آینده‌پژوهی مهدوی» مبتنی بر قوانین و سنن تخلف‌ناپذیر الهی است، بسیار قابل اعتماد خواهد بود (پورعزت، سنت پژوهی رویکردی نوین به آینده پژوهی مهدویت، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴۴، ص ۲۸۱).

۲. نعمانی (۳۶۰ق) محدث نامدار شیعه، در قرن چهارم است. کتاب الغیبة نعمانی، تألیف هزار سال پیش و از کتب مرجع در آینده‌پژوهی مهدوی به شمار می‌آید (نادری، اعتبار و تداول کتاب الغیبة نعمانی، فصلنامه سفینه، ش ۳۷، ص ۱۷۵-۱۸۷).

۳. پورسیدآقای، زمینه‌سازی ظهور، فصلنامه مشرق موعود، ش ۱۰، ص ۲۰-۲۱.

۴. فتالوی، ریایات الهدی و الضلال فی عصر الظهور، ص ۶۳-۱۲۶.

۵. قربانی، تاملات آینده پژوهانه در آرمانشهر مهدوی تبیین کارکردهای آینده پژوهانه مهدویت، فصلنامه آینده پژوهی ایران، ش ۱، ص ۷۰-۷۱.

۶. آیتی، چالش غفلت از آرمان مهدویت، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴۹، ص ۷۷.

نسخه‌شناسی گزاره «آتش آذربایجان» قبل ظهور

گزاره آتش آذربایجان «لابدّ لنار» در الغیبة نعمانی نقل شده است^۱ و البته در دیگر کتب حدیثی شیعه از جمله کتاب الملاحم و الفتن^۲ ابن طاووس، کتاب إثبات الهداة^۳ حر عاملی، نیز تکرار شده است:

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِنَّهُ قَالَ لِي أَبِي: لَا بُدَّ لِنَارٍ مِنْ آذَرْبَيْجَانَ لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ وَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَكُونُوا أَخْلَاصَ بِيُوتِكُمْ وَ أَلْبِدُوا مَا أَلْبَدْنَا فَإِذَا تَحَرَّكَ مُتَحَرِّكُنَا فَاسْعَوْا إِلَيْهِ وَ لَوْ حَبَوًّا وَ اللَّهُ لَكَائِي أَنْظَرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ يُبَايِعُ النَّاسَ عَلَى كِتَابٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ وَ قَالَ وَيْلٌ لَطُغَاةِ الْعَرَبِ مِنْ شَرِّ قَدْ اقْتَرَبَ.^۴

ابو بصیر از امام صادق روایت کرده که آن حضرت فرمود: پدرم- امام باقر علیه السلام- به من فرمود: ناگزیر آتشی (جنگی) از منطقه آذربایجان، زبانه خواهد کشید که هیچ چیز در مقابلش نتواند ایستاد (گسترش می‌یابد)، چون چنین شود خانه‌نشین باشید (بی‌طرف بمانید) و تا آنگاه که ما در خانه نشستیم شما نیز در این آتش خانه‌نشین باشید و چون قیام کننده از طرف ما (امام عصر) حرکت می‌کند و فعالیت خود را آغاز کرد به سوی او بشتابید اگر چه بر دست و زانو (به هر نحو ممکن). به خدا سوگند گوئی هم‌اکنون به او (امام مهدی) می‌نگرم که میان رکن و مقام در مکه به فرمانی جدید از مردم بیعت می‌گیرد، فرمانی که بر عرب، سخت گران است، و پدرم فرمود: وای بر سرکشان عرب از شری که به آنان هنگامه ظهور روی خواهد کرد.

بنابراین همه کتب شیعی نسخه «لابدّ لنار» را ثبت و ضبط کردند لکن در نسخه متأخر (کتاب بحار الأنوار)، نسخه «لابدّ لنا» ترجیح داده شده است^۵ و در ادامه به جایگاه اختلاف نسخ در تفاوت دیدگاه‌ها نیز اشاره خواهد شد.

۱. البته عدم ذکر گزاره حدیثی «آتش آذربایجان» توسط شیخ طوسی (در کتاب الغیبة للحجة) و شیخ صدوق (در کتاب کمال الدین) از کتب ثلاثه مهدویت (که به همراه کتاب الغیبة نعمانی به عنوان کتب مرجع مهدویت قلمداد می‌شوند)، خللی به محتوای آن وارد نمی‌شود. زیرا کتاب شیخ صدوق در باب علائم ظهور (صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۶) که به صورت مستقل تدوین شده است (نجاشی، الرجال، ص ۳۹۲) اما مفقود است و دسترسی به آن ممکن نیست؛ شیخ طوسی نیز تصریح کرده است: بنا نداشته آنچه در دیگر کتب ذکر شده، را مجدداً تکرار نماید (طوسی، الغیبة، ص ۲ و ۳۲۷).

۲. ابن طاووس، الملاحم و الفتن، ص ۳۷۰.

۳. حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۵۸.

۴. نعمانی، الغیبة، ص ۱۹۴ و ۲۶۳.

۵. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵ و ۲۹۳.

لازم به ذکر است گزاره «آتش آذربایجان قبل ظهور» در الغیبة نعمانی، دو طریق دارد: الف. سند اول (ابی حمزه بطنانی از ابوبصیر از امام صادق) چون در دوران استقامت بوده، حدیث موثق است؛ ب. سند دوم (وهیب بن حفص از ابوبصیر از امام صادق) از نظر سندی، حدیث صحیح و معتبر است.^۱

اعتبارسنجی «محتوایی» جنگ آذربایجان

آتش آذربایجان: جنگ

البته «نار» به معنای حقیقی آن یعنی وقوع آتش سوزی هرچند محتمل است لکن به قرینه سایر احادیث که از وقوع جنگ در منطقه ارمنیه و آذربایجان گزارش شده^۲ تعبیر اشعار به درگیری نظامی و جنگ دارد؛ ضمن اینکه به قرینه عبارت بعدی «أَخْلَاسٌ يُبُوتُكُمْ» که مصطلح حدیثی است و در «تراث مهدوی»، این عبارت و مشابه آن: اجلسوا فی بیوتکم^۳، لَا تَبْرَحِ الْأَرْضَ^۴، جُلُوساً مِنْ أَخْلَاسِهِ^۵ با توجه به «خانواده حدیثی»، جملات مشهور امامان معصوم برای ممانعت شیعیان از شرکت در فتنه‌ها و قیام‌های نظامی مخالف دیدگاه اهل بیت و جنگ‌های مضرّ به کیان شیعه و ترک قتال^۶ استعمال می‌شده است؛^۸ از اینرو احتمال آتش سوزی در منطقه آذربایجان، احتمال ضعیف و بلکه منتفی است و در واقع «نار آذربایجان» اشاره به جنگ دارد.

۱. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ ابْنُ عَقْدَةَ الْكُوفِيِّ: ثقه (نجاشی، الرجال، ص ۹۴)؛ أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ بْنِ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ الْجَعْفِيِّ: ثقه علی التحقیق (نجاشی، الرجال، ص ۱۲۷). مامقانی، تنقیح المقال ط حدیث، ج ۸، ص ۲۶۶-۲۶۹. مازندرانی، منتهی المقال فی أحوال الرجال، ج ۱، ص ۳۶۸؛ إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ: ثقه (نجاشی، الرجال، ص ۲۶)؛ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ الْبَطَائِنِيِّ: ثقه در دوران استقامت (طوسی، العدة فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۱۵۰-۱۵۱. مجلسی، روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۹۴ و ۴۷ و ۳۵۴)؛ وَهَيْبُ بْنُ حَفْصٍ: ثقه (نجاشی، الرجال، ص ۴۳۱)؛ أَبِي بَصِيرٍ: ثقه (نجاشی، الرجال، ص ۴۴۱)؛ امام صادق: امام معصوم؛ امام باقر: امام معصوم.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۱۴۷.

۳. نعمانی، الغیبة، ص ۱۹۷. طوسی، الغیبة، ص ۱۶۳.

۴. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۷۴.

۵. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۶۴.

۶. كُونُوا أَخْلَاسٌ يُبُوتُكُمْ فَإِنَّ الْفِتْنَةَ عَلَى مَنْ أَتَاهَا (نعمانی، الغیبة، ص ۱۹۷. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۸).

۷. كُونُوا أَخْلَاسٌ يُبُوتُكُمْ: الْمَعْنَى الزُّمُوا يُبُوتُكُمْ لَزُومِ الْأَخْلَاسِ وَلَا تَخْرُجُوا مِنْهَا فَتَقَعُوا فِي الْفِتْنَةِ (طریحی، مجمع البحرين، ج ۴، ص ۶۳)؛ فِي الْحَدِيثِ: كُنْ جُلُوساً مِنْ أَخْلَاسِ بَيْتِكَ أَيْ لَا تَبْرَحْ أَمْرُهُ بِلَزُومِ بَيْتِهِ وَتَرْكِ الْقِتَالِ فِي الْفِتْنَةِ (ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۵۵).

۸. اجلسوا فی بیوتکم فَإِذَا رَأَيْتُمُونَا قَدْ اجْتَمَعْنَا عَلَى رَجُلٍ فَأَنْهَدُوا إِلَيْنَا بِالسَّلَاحِ (نعمانی، الغیبة، ص ۱۹۷).

حال درباره گزاره نار (آتش) آذربایجان که کنایه از جنگ است، دو احتمال مطرح است: صدور جنگ از سمت آذربایجان یا وقوع جنگ در منطقه آذربایجان (محدوده جغرافیای آذربایجان در زمان امام معصوم)^۱ و نیز با توجه به حرف «مِنْ»، عبارت بدین گونه خواهد بود که: جنگ از سمت آذربایجان^۲ یا جنگ در منطقه آذربایجان^۳ مقصود است. البته هر دو دیدگاه قابل جمع است و فرقی هم ندارد. زیرا در ادامه به سرایت آتش جنگ به سایر مناطق تصریح شده است. بنابراین، نار (آتش) آذربایجان، چه بسا این تلمیح و اشاره بلیغ را نیز با خود به همراه دارد که شروع جنگ، از سمت آذربایجان و در این منطقه تاریخی خواهد بود (لَا بُدَّ لِنَارٍ مِنْ أَذْرَبِيجَانَ) و البته آتش جنگ، آرام نخواهد شد و به سایر مناطق نیز گسترش خواهد یافت (لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ).

چرایی تعبیر نار (آتش) آذربایجان

و علت اینکه چرا برای افاده مفهوم جنگ، به جای کلمه «نار» از واژه «حرب» استفاده نشده، این است که در لغت عربی علاوه بر اینکه استعمال واژه «نار» برای جنگ، تعبیر شایع و مشهوری است^۴، در عین حال نشانگر این است، در صورت عدم جلوگیری از آتش، آنگاه شعله‌های آن به سایر نقاط نیز گسترش پیدا خواهد کرد^۵ و در این صورت با عبارت بعدی (لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ) هیچ چیزی یارای ایستادگی در برابر آتش جنگ ندارد) نیز سازگاری بیشتری دارد. همچنین به قرینه اینکه به شیعیان توصیه شده است در جنگ منطقه آذربایجان شرکت نکنید (أَخْلَاسَ بِيُوتِكُمْ)، نشانگر این است که شر و فتنه جنگ، گریبان گیر کشورهای خواهد شد که در این جنگ وارد شده‌اند.^۶

۱. اصل در میراث حدیثی مهدوی، بر این است که مراد از اماکن جغرافیایی، محدوده آن مکان‌ها در زمان «صدور» نص (محدوده جغرافیایی در زمان امام معصوم) است که طبیعتاً منطقه وسیع‌تری را شامل می‌شده است مگر اینکه «قرینه بسیار واضح» دال بر این باشد که محدوده جغرافیایی در زمان «وقوع» نص (محدوده جغرافیایی در قبل ظهور) قصد شده است.

۲. حرف مِنْ به معنای ابتدائیت (ابن هشام، مغنی اللیب، ج ۱، ص ۳۱۸).

۳. حرف مِنْ به معنای فی (ابن هشام، مغنی اللیب، ج ۱، ص ۳۲۱).

۴. سوره مائده، آیه ۶۴. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۸۲۸.

۵. واژه «نار» بدون الف و لام که در اصطلاح ادبیات عرب به آن «اسم نکره» و نقش آن، خبر (مُسند) است که در سیاق نفی آمده و افاده عموم می‌کند (ابراهیم برکات، النحو العربی، ج ۱، ص ۵۴)، و نیز به قرینه جمله بعد «لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ»، افاده تفخیم، بزرگی و تکثیر آتش است (هاشمی، جواهر البلاغة، ص ۱۲۵) و بیانگر این است، آتش جنگ بزرگ و عظیمی بتدریج در منطقه آذربایجان برپا خواهد شد.

۶. فی الحدیث: کانت بینهم نَائِرَةٌ أی فتنه حادثه و عداوة. نار الحرب و نَائِرَتُهَا: شرها و هیجها (ابن اثیر، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۵، ص ۱۲۷).



آتش آذربایجان

ضمن اینکه اگر واژه «حرب» استعمال می‌شد، ناگزیر یکی از طرفین جنگ شروع‌کننده آن خواهد بود درحالی‌که انتخاب واژه «نار به معنای آتش» مشعر به این است که علاوه بر متخاصمین، از ناحیه کشورهای غیر از طرفین جنگ، نیز احتمال دارد که بر شعله‌های آتش، دمیده و دامن زده شود و گسترش یابد. از اینرو تعبیر نار (آتش) آذربایجان برای سرایت جنگ به سایر نقاط (لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ)، تعبیر رساتر و بلیغ‌تری است و در واقع این عبارت از فصاحت و بلاغت امام معصوم در اخبار دقیق از حوادث آخرالزمان حکایت دارد.

با این پیش‌فرض و «مبنای کلامی» که امام معصوم بر قرآن احاطه کامل دارد و در انتخاب کلمات و عبارات حدیثی، دقیق و حساب شده، رفتار می‌کنند و نیز با توجه به استعمال واژه «نار» در قرآن که آتش «مهم‌ترین و سخت‌ترین عذاب خداوند» معرفی شده است^۱ و به قرینه اینکه امام معصوم تأکید نموده است شیعه در این جنگ شرکت نکند (عدم مداخله مستقیم نظامی جبهه حق)، درمی‌یابیم که آتش جنگ به منزله «عذاب» برای جبهه باطل خواهد بود که بتدریج فراگیر نیز خواهد شد (لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ) و بدین‌سان موجب تضعیف دشمنان خواهد شد.

محدوده جغرافیایی آذربایجان

و اما اینکه آذربایجان، دقیقاً کدام منطقه مقصود است؟ آذربایجان داخل ایران یا آذربایجان خارج از محدوده جغرافیایی ایران؟ نمی‌توان قضاوت قاطعی داشت. زیرا بلاد آذربایجان در زمان صدور نص^۲، منطقه وسیعی را شامل می‌شده است و مشتمل بر مناطقی در آذربایجان ایران (اردبیل، آذربایجان غربی و شرقی) و مناطقی همچون آران و جمهوری آذربایجان تا برزند (تفلیس) گرجستان در قلب قفقاز نیز ادامه داشته و حتی محدوده وسیعی از جنوب غربی

۱. طاهری‌نیا، نشانه‌شناسی واژه النار در قرآن کریم، فصلنامه مطالعات متون ادبی اسلامی، ش ۵، ص ۳۲.

۲. بیان گردید: اصل بر این است که مقصود معصوم، منطقه جغرافیایی در زمان «صدور نص» است مگر قرینه‌ای بر خلاف آن باشد.

روسیه و شمال شرقی ترکیه تا سواحل دریای سیاه (بحر القرم) متصل به جزیره کریمه را شامل می‌شود و تا مرزهای امپراطوری بیزانس (روم شرقی) امتداد داشته است:

أَذَرَبَيْجَان: إقليمٌ واسع و من مشهور مدائنها تبريز^۱ و أجل مدنها قديما أَرْدَبِيل^۲ من أَرْدَبِيل إلى برزند^۳ من كور آذربيجان^۴ أَرْغَانُ
فِي آخِرِ حُدُودِ أَذَرَبَيْجَان^۵ نَخْجَوَان بَلَدٌ بِأَقْصَى أَذَرَبَيْجَان^۶ و ايضا بعض البلاد التي على ساحل بحر القرم حدود بلاد الروم^۷.

بنابراین هرچند دقیقاً مشخص نیست مقصود از آتش جنگ در آذربایجان، کدام ناحیه معین، مراد است؟ اما قدر متیقن، جنگ در محدوده سرزمین «آذربایجان تاریخی» که تا سواحل دریای سیاه نیز امتداد داشته است، برپا خواهد شد.



نقشه سرزمین تاریخی آذربایجان

۱. حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۲۸.

۲. اصطخری، مسالك الممالك، ص ۱۸۱.

۳. برزند من نواحی آذربيجان و قد ذکرنا أنها من أعمال تغلیس (حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۵).

۴. یعقوبی، البلدان، ص ۷۹.

۵. مدنی، الطراز الاول، ج ۷، ص ۲۴.

۶. بروسوی، أوضح المسالك إلى معرفة البلدان، ص ۶۲۳.

۷. ابوالفداء، تقویم البلدان، ص ۴۴۰.

در واقع امروزه علاوه بر آذربایجان ایران بر مناطق وسیعی در کشورهای آذربایجان، ارمنستان و امتداد آن در قلب قفقاز و تا سرزمین‌های واقع در سواحل دریای سیاه (بحر القرم)، مفهوم «بلاد آذربایجان» اطلاق می‌شده است و البته به دلیل تغییر مرزهای جغرافیای در طول تاریخ، مرزبندی مشخص و دقیق این مناطق و تفکیک این مناطق از یکدیگر، سخت و دشوار بوده است:

أرمينية و أَرَّان و أذربيجان ... هذه ثلاثة أقاليم عظيمة قد جمعها أرباب هذا الفن في الذكر و التصوير^۱ لتداخل بعضها ببعض و تعسر أفرادها بالذكر و قد ضمنا إليها أيضا بعض البلاد التي على ساحل بحر القرم^۲.

بنابراین مقصود از آذربایجان در لسان احادیث و کتب جغرافیا، سرزمین تاریخی آذربایجان است و نه کشور آذربایجان^۳ اما اینکه امام معصوم، شیعه را به عدم مداخله نظامی در جنگ آذربایجان فراخواندند (فَكُونُوا أَخْلَاسَ بُيُوتِكُمْ)، بیانگر این است که این جنگ، ابتدا در مناطقی خارج از محدوده جغرافیای «حکومت شیعه زمینه‌ساز» رخ خواهد داد که در ادامه شواهد دیگر نیز بیان خواهد شد.

بی‌نتیجه بودن تلاش‌های بین‌المللی

درباره عبارت «لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ»^۴ در تحلیل گزاره حدیثی جنگ آذربایجان قبل ظهور، سه احتمال مهم، مطرح است:

۱. هرچند مبداء جنگ از منطقه «آذربایجان تاریخی» شکل خواهد گرفت لکن به سایر مناطق و کشورها نیز گسترش خواهد یافت. زیرا آتش وقتی از ناحیه‌ای شروع شود اگر نتوان با آن مقابله کرد (لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ)، طبیعی است که به سایر مناطق نیز سرایت خواهد کرد. همچنین بیانگر این است که تلاش‌های بین‌المللی برای جلوگیری از شعله‌ور شدن آتش جنگ آذربایجان بی‌نتیجه خواهد بود و جنگ فراگیر خواهد شد و نقش محوری در آغازین شعله‌های جنگ جهانی قبل از ظهور، ایفا خواهد کرد.

جنگ قره‌باغ به درازای عمر دو کشور آذربایجان و ارمنستان

۱. و مشابه آن: فامّا ارمينية و الران و اذربيجان فانّا جمعناها في صورة واحدة (اصطخری، مسالك الممالك، ص ۱۸۰).
۲. ابوالفداء، تقويم البلدان، ص ۴۴۰. بروسوی، أوضح المسالك إلى معرفة البلدان، ص ۱۳۴. و مشابه آن: ابن حوقل، صورة الارض، ج ۲، ص ۳۳۱.
۳. و امروزه محدوده جغرافیایی «کشور آذربایجان» تا حدودی بر منطقه «ازان و الزان» در کتب جغرافیا و تاریخ، قابل انطباق است و مناطق مهم آن همچون کنجه، شمکر، بردع و بیلقان است (حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۳۶) که این مناطق اکنون با همین نام‌ها و اسامی در کشور آذربایجان وجود دارد (فهرست شهرهای جمهوری آذربایجان، لینک). البته در طول تاریخ، گاهی ضمیمه «ارمنیه تاریخی» شده و گاهی تحت قیمومیت حکومت سرزمین «آذربایجان تاریخی» قرار گرفته است (الوانساز خویی، تاریخ تحلیلی تشیع در آذربایجان، ص ۱۶-۱۷). شواهد حدیثی و تاریخی نیز بر این دیدگاه وجود دارد: مَدِينَةُ الرَّانِ مِنْ أَرْضِ أَذْرَبَايجَانَ (طوسی، الغيبة، ص ۳۱۰). اَرَّانُ أَوَّلُ مَمْلَكَةٍ بِأَرْمِينِيَةِ (ابن فقیه، البلدان، ص ۵۸۶).

۴. لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ: ای لا یطيقها أو لا یتعرض لدفعها (مجلسی، مرآة العقول، ج ۹، ص ۴۲۶)؛ لا یقدر علی معارضتها و لا یقاومها شيء (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۳۲۷).

۲. ضمن اینکه احتمال دارد مداخله نظامی کشورهایی به علت تضاد منافع در جنگ منطقه آذربایجان، می‌تواند یکی از دلایل عدم کنترل آتش این جنگ باشد؛ ۳. همچنین احتمال دارد با توجه به جوهر معنایی عبارت «لَا يَقُومُ لَهَا شَيْ» یکی از مصادیق بارز آتش این جنگ، استفاده از سلاح منحصر بفرد نظامی در میدان جنگ باشد که وقتی رخ داد، اثرات مرگبار آن به هیچ عنوان قابل جلوگیری و عدم اشاعه به سایر نقاط نیست.

بنابراین با توجه به عبارت «لَا يَقُومُ لَهَا شَيْ» علاوه بر «تاکید» بر وقوع جنگ، سه احتمال: گسترش آتش جنگ، بی نتیجه بودن تلاش‌های بین‌المللی و یا استفاده از سلاح منحصر بفرد نظامی که اثرات مرگباری و جبران‌ناپذیری دارد، مطرح است.

عدم مداخله نظامی مستقیم در جنگ آذربایجان

درباره عبارت «أَخْلَسَ يُبُوتُكُمْ» - با توجه به «معانی لغوی»^۱ و «خانواده حدیثی»^۲ این مصلح حدیثی در تراث مهدوی - در تحلیل گزاره جنگ آذربایجان قبل ظهور، پنج احتمال مهم، مطرح است:

۱. اینکه به شیعیان توصیه شده که در خانه‌هایشان باشند و مداخله مستقیم نظامی نکنید (أَخْلَسَ يُبُوتُكُمْ)، خود قرینه بر این است که آتش جنگ و فتنه‌انگیزی توسط دشمن از سمت آذربایجان طراحی و برنامه‌ریزی خواهد شد؛ ۲. و نیز بیانگر این است شیعه در این جنگ، شرکت ندارد زیرا در غیر اینصورت چگونه ممکن است امام معصوم دستور عدم مداخله نظامی بدهد در حالیکه «شیعه زمینه‌ساز» نیز یکی از طرفین جنگ است؟

اعتراف رئیس‌جمهور آذربایجان به «بی‌طرفی» ایران در جنگ

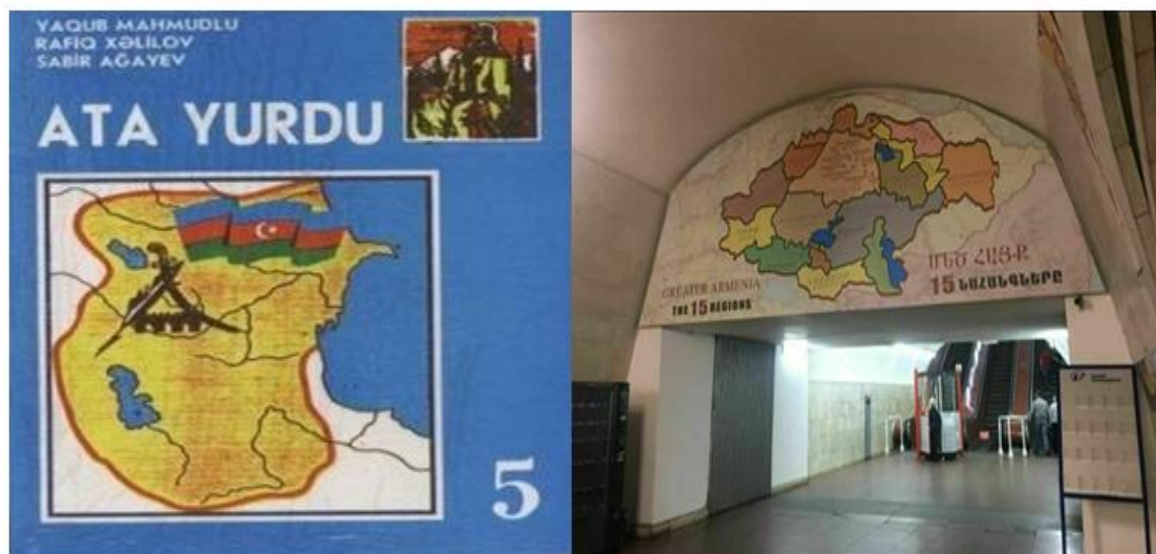
۳. و نیز عبارت «أَخْلَسَ يُبُوتُكُمْ» قرینه بر این است که منظور از آذربایجان، آن مناطقی از سرزمین «آذربایجان تاریخی» که خارج از مرزهای ایران قرار دارد، مقصود است و الا چگونه امکان دارد امام معصوم، شیعیان را در برابر جنگی که در خاک و وطن‌شان رخ داد، دعوت به عدم مقابله نظامی نماید در حالیکه دفاع در برابر تجاوز دشمن، واجب شرعی است.

۴. با دعوت به بی‌طرفی، می‌توان دریافت جنگ ناحیه آذربایجان برای دین و مذهب نیست و طرفین جنگ بر حق نیستند بلکه جنگ بر سر منافع دنیوی است؛^۵ و نیز بیانگر این مهم است جنگ، ارتباط موثر با زمینه‌سازی ظهور و محور مقاومت شیعی ندارد. بلکه وظیفه اصلی قوای نظامی در عین مراقبت

۱. يقال: فلان جلس من أخلاس البيت للذي لا يبرح البيت (ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۵۴). و بیشتر در هنگام بروز فتنه‌ها، از این عبارت استفاده می‌شود: في حديث الفتن: عد منها فتنة الأخلاس كونوا أخلاس بيوتكم أي الزموها (ابن اثير، النهاية في غريب الحديث و الأثر، ج ۱، ص ۴۲۳)؛ في الحديث: كن جلساً من أخلاس بيتك ... أي لا تترك أمره بلزوم بيته و ترك القتال في الفتنة (ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۵۵).

۲. عبارت «أَخْلَسَ يُبُوتُكُمْ» مصطلح حدیثی است و در «تراث مهدوی»، این عبارت و مشابه آن: اجلسوا في بيوتكم (نعمانی، الغيبة، ص ۱۹۷. طوسی، الغيبة، ص ۱۶۳)، لا تترك الأرض (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۷۴)، تلزم بيوتك و تقعد في دهماء (نعمانی، الغيبة، ص ۱۹۴)، جلساً من أخلاسه (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۶۴) با توجه به «خانواده حدیثی»، جملات مشهور امامان معصوم برای ممانعت شیعیان از شرکت در فتنه‌ها: كونوا أخلاس بيوتكم فإن الفتنة على من أثارها (نعمانی، الغيبة، ص ۱۹۷. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۸) و قیام‌های نظامی مخالف دیدگاه اهل بیت و جنگ‌های مضر به کیان شیعه بوده است: اجلسوا في بيوتكم فإذا رأيتمونا قد اجتمعنا على رجل فانهضوا إلينا بالسلاح (نعمانی، الغيبة، ص ۱۹۷).

از حدود و ثغور و مرزها، باید توجه به حوادث جغرافیایی مثلث «کوفه، مکه و قدس» باشد؛ زیرا احتمال دارد آتش این فتنه، نقشه و برنامه‌ریزی دشمنان برای درگیر کردن قدرت نظامی شیعه برای غفلت از حوادث «جغرافیای ظهور» بویژه در عراق^۲، شام و فلسطین صورت گرفته باشد. زیرا چگونه ممکن است آتش جنگ آذربایجان در «فرایند ظهور» حضرت، موثر باشد اما امام معصوم دستور عدم حمایت و همکاری را صادر نمایند؟



آرزوی «مترو» ارمنستان و «کتاب درسی» جمهوری آذربایجان: طمع به خاک ایران

تاکید مجدد و هشدار بر عدم مشارکت نظامی در جنگ آذربایجان

درباره عبارت «اَلْبُدُّوْا مَا اَلْبَدْنَا» - با توجه به «معانی لغوی»^۳ و «خانواده حدیثی»^۴ این مصلح حدیثی در تراث مهدوی- در تحلیل گزاره جنگ آذربایجان قبل ظهور، این احتمال مهم، مطرح است: چه بسا «تاکید مجدد» معصوم بر عدم مشارکت در جنگ، تلمیحی باشد به این مساله که احتمال دارد یکی از طرفین جنگ، شیعه را به مشارکت فعال و مداخله نظامی در این جنگ فرا بخوانند لکن «نهی و تاکید مجدد» امام معصوم، هشدار است که کیان شیعه نباید در

۱. البته حساب مردم و شیعیان مظلوم آذربایجان از حکومت جدا است. هرچند طبیعی است در آتش جنگ، تر و خشک باهم می‌سوزد. زیرا نقیمت و بلا هرگاه واقع شود، فرقی بین گناهکار و دیگران نیست: النَّقْمَةُ إِذَا نَزَلَتْ لَمْ يَكُنْ لَهَا عَمَّنْ قَارِبَ الْمُذْنِبِ، دِفَاعٌ (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۷۵) و احتمال دارد شیعیان مظلوم کشور آذربایجان و سایر مناطق نیز طعمه خواسته‌های نامشروع حاکمان و قدرت‌های استعماری گردند. اما وظیفه محور مقاومت شیعی و حکومت زمینه‌ساز این است که در حد توان و استطاعت، مانع از قتل و خونریزی گردد و حتی در جهت خنثی کردن فتنه دشمنان، تمهیداتی ولو با کمک غیرمستقیم برای مقابله با اقدامات «دشمن اصلی» باشد.

۲. برای آگاهی بیشتر: سناریوی آینده عراق قبل از ظهور (لینک).

۳. لَبَدُ بِالْمَكَانِ: أَقَامَ بِهِ (ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۳۸۵)؛ لَبَدُ الشَّيْءِ بِالْأَرْضِ يَلْبِدُ بِالضَّمِّ أَيْ لَصِقَ (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۶).

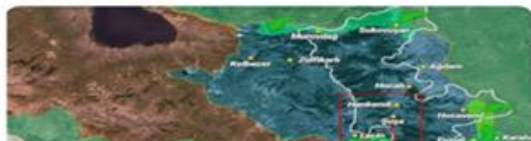
۴. حدیث حذیفه و ذکر فتنه فقال: اَلْبُدُّوْا لُبُّوْذَ الرَّاغِي ... اِیْ اَقْعِدُوْا فِیْ بُیُوتِکُمْ لَا تَخْرُجُوا مِنْهَا فَتَهْلُکُوا (ابن اثیر، النهاية فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۴، ص ۲۲۴).

این جنگ، دخالت مستقیم نظامی داشته باشد زیرا فتنه طراحی شده از سوی دشمنان است؛ به گونه‌ای که مخالفین شیعه نیز به این بهانه وارد جنگ با محور مقاومت شیعی شوند و از این رهگذر موجب تضعیف و استهلاک قدرت نظامی مقاومت شیعی گردد.



İran'ın Karabağ'la sınırı kalmadı.
O bölgeler bugün işgalden kurtarıldı.
İran'ın Ermenistan'la sınırı kalacak mı?
Kalmamalı. O bağ koparılmalı.
Nahçıvan-Azerbaycan birleşmeli.
Orta Asya yolu açılmalı.
Rusya ve İran'ın; asla değişmeyen,
"Türk dünyasını bölme tezi" çökmeli.

Translate Tweet



توییت مشاور اردوغان: ایران دیگر هیچ مرزی با قره‌باغ ندارد



Ağbənd qəsəbəsinin azad edilməsi
ilə Azərbaycan və İran İslam
Respublikası dövlət sərhədinin tam
nəzarətə götürülməsi təmin olundu.
Bu münasibətlə Azərbaycan və İran
xalqını təbrik edirəm. Eşq olsun
müzəffər Azərbaycan Ordusuna!

Translate Tweet

6:39 PM · Oct 22, 2020 · Twitter Web App

توییت الهام علی‌ف رئیس‌جمهور آذربایجان و تبریک به ایران

توییت تبریک رئیس‌جمهور آذربایجان (لینک)؛ مشاور اردوغان: دیگر ایران هیچ مرزی با قره‌باغ ندارد (لینک)

اوج اقتدار و آمادگی نظامی قبل ظهور

اما در عین حال عبارت پایانی، بیانگر این است که شیعه باید «اوج آمادگی نظامی» را حفظ نماید تا در هنگام نصرت امام عصر با تمام قوا در اختیار وی قرار گیرند (فَاسْعُوا إِلَيْهِ وَ لَوْ حَبْوًا)؛ ضمن اینکه این حوادث در آستانه ظهور است و مخاطراتی فراوانی شیعه را تهدید می‌کند از اینرو باید در اوج اقتدار نظامی در برابر دشمن صف‌آرایی نمایند^۱. کما اینکه در توصیف زمینه‌سازان ظهور، تصریح شده است که در مراحل پایانی منتهی به ظهور امام عصر، در وضعیت «آماده‌باش جنگی» برای مقابله با دشمن هستند.^۲

۱. ضمن اینکه «ادله عام قرآنی» نیز مبنی بر حفظ اقتدار نظامی و استفاده از سلاح‌های پیشرفته برای مقابله با دشمنان حکایت دارد: وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوُّ اللَّهِ وَ عَدُوُّكُمْ (سوره انفال، آیه ۶۰).

۲. کَأَنِّي بَقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ ... وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ ... يَقُومُوا وَ لَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ قَتَلَهُمْ شُهَدَاءُ (نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۳)؛ سند حدیث نیز معتبر است (ری‌شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۶، ص ۱۳).

حال آیا می‌توان در برابر تهدیدات فراوان قبل ظهور، فقط به «آمادگی فردی» نظامی بسنده کرد؟^۱ و البته این عبارت (فَاسْعُوا إِلَيْهِ وَ لَوْ حَبَا) در تراش مهدوی با توجه به «احادیث هم‌خانواده» به «فعالیت منسجم نظامی شیعه زمینه‌ساز» اشاره دارد^۲ و مقصود، تحرکات فردی نیست. زیرا با تشکیل «خانواده حدیثی»، درمی‌یابیم وظیفه شیعیان، پیوستن به زمینه‌سازان و ملحق شدن به پرچم‌های هدایت قبل ظهور (پرچم یمانی و خراسانی است)^۳؛ و به همین دلیل برخی اصحاب خاص امام عصر، سخن معصوم را تمکین کرده و در سپاه اعزامی ایرانیان به عراق برای مقابله با دشمن، حضور دارند.^۴

و از این رهگذر می‌توان برداشت غلط و اشتباه مخالفین «تشکیل قدرت منجسم شیعی» - تحت شعار واحد «زمینه‌سازی» در «جغرافیای ظهور» - را بیش از پیش احساس کرد. زیرا چگونه ممکن است نقشه‌های پیچیده جبهه باطل را خنثی نمود در حالیکه شیعه قبل ظهور از قدرت نظامی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری به هدف یاری امام عصر برخوردار نباشد؟ زیرا به قرینه اینکه جبهه باطل و در راس آن دشمن اصلی امام عصر^۵، سفیانی^۶ که حمایت مثلث «غربی^۷، عبری^۸، عربی^۹» را به همراه خود دارد؛ باید جبهه حق و محور مقاومت شیعی نیز تحت پرچم واحد و شعار واحد «زمینه‌سازی ظهور»، قدرت نظامی خویش در «جغرافیای ظهور» و محیط پیرامونی را تحکیم بخشد.

۱. همان اشتباهی که مخالفین «قیام زمینه‌ساز ظهور» با برداشت نادرست خویش از برخی احادیث دارند و البته پاسخ داده شده است (ر.ک: مرتضی عاملی، مختصر مفید، ج ۳، ص ۱۷۴. پورسیدآقایی، چالش‌های روایی مشروعیت تشکیل حکومت در عصر غیبت، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴۹، ص ۳۸۷-۴۰۴)؛ و البته در احادیث معتبر نیز از قوم زمینه‌ساز که قیام می‌کنند و با دشمن می‌جنگند و کشته‌های آنان «شهید» محسوب می‌شود و سرانجام انقلاب‌شان به حکومت جهانی امام عصر متصل خواهد شد، سخن به میان آمده است و بدین‌سان مشروعیت قتال و جنگ با دشمنان قبل ظهور نیز اثبات می‌شود: کَانِي يَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ ... وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ ... يَقُومُوا وَ لَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ قَتَلَاهُمْ شُهَدَاء (نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۳)؛ سند حدیث نیز معتبر است (ری‌شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۶، ص ۱۳). طبرسی، صاحب تفسیر مجمع‌البیان، در ذیل آیه ۴ سوره اسراء درباره وعده مجازات «فساد بنی اسرائیل در فلسطین با محوریت مسجد الاقصی» می‌فرماید: قد تظاهرت الأخبار عن أئمة الهدى من آل محمد فی أن الله تعالی سيعيد عند قيام المهدي قوما ممن تقدم موتهم من أوليائه و شيعته ليفوزوا بثواب نصرته و معونته و يبتهجوا بظهور دولته (طبرسی، تفسیر مجمع‌البیان، ج ۷، ص ۳۶۷).

۲. فَإِذَا تَحَرَّكَ مُتَحَرِّكُنَا فَاسْعُوا إِلَيْهِ وَ لَوْ حَبَا (نعمانی، الغيبة، ص ۲۶۳).

۳. فَإِذَا رَأَيْتُمُونَا قَدْ اجْتَمَعْنَا عَلَى رَجُلٍ فَأَنْهَدُوا إِلَيْنَا بِالسَّلَاحِ (نعمانی، الغيبة، ص ۱۹۷).

۴. هم‌پیمانی یمانی و خراسانی در جنگ با جریان سفیانی در حوادث خاورمیانه (لینک).

۵. يَبْعَثُ السُّفْيَانِيُّ جَيْشًا إِلَى الْكُوفَةِ ... فَيَبْنِي هُمْ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَتْ رَايَاتُ مِنْ قِبَلِ خُرَاسَانَ ... وَ مَعَهُمْ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ (نعمانی، الغيبة، ص ۲۸۰).

۶. السُّفْيَانِيُّ يُقَاتِلُ الْقَائِمَ (صدوق، معانی الأخبار، ص ۳۴۶).

۷. سفیانی، اسم رمز حاکم موقت منطقه شام در عصر ظهور برای بازه زمانی کمتر از ۲ سال که علاوه بر تسلط بر سوریه، به عراق حمله نظامی می‌کند. ضمن اینکه برای حمایت از حاکمان هم‌پیمان خویش در عربستان و در جهت مقابله با امام عصر نیز نیروی نظامی به مدینه و مکه اعزام می‌کند (کورانی، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدي، ص ۳۸۰).

۸. سفیانی، مورد حمایت غربی‌ها است: يُقْبَلُ السُّفْيَانِيُّ مِنْ بِلَادِ الرُّومِ مُنْتَصِرًا فِي عُنُقِهِ صَلِيبٌ وَ هُوَ صَاحِبُ الْقَوْمِ (طوسی، الغيبة، ص ۴۶۳)؛ در عبارت "فِي عُنُقِهِ صَلِيبٌ" دو احتمال مطرح است: سفیانی چون مسیحی و رومی است، صلیب بر گردن دارد و نماینده غربی‌ها است و یا به ظاهر مسلمان است اما مورد حمایت غربی‌ها است.

۹. سفیانی، مورد حمایت یهود است: إِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا (سوره اسراء، آیه ۸) يَعْنِي إِنْ عُدْتُمْ {اليهود} بِالسُّفْيَانِيِّ عُدْنَا بِالْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۴).

البته این مهم بر عهده «ایرانیان» نهاده شده است^۲ که نقش مدیریت و سرپرستی جهان تشیع و رهبری امت در مواجهه با دشمن و جبهه استکبار (مثلث شوم غربی، عبری و عربی)^۳ بر عهده آنان نهاده شده است که توانسته تحت پرچم «جبهه حق» و شعار واحد «زمینه‌سازی» با گردهم آوردن شیعیان از مناطق مختلف جغرافیای ظهور-عراق (عصائب العراق)^۴، یمن (اهل الیمن)^۵، لبنان و فلسطین (ابدال الشام)^۶ - در مثلث «کوفه، مکه و قدس»، فرایند امر ظهور را برای تشکیل حکومت حقه جهانی حضرت ولیعصر مهیا و فراهم سازند.^۷

ظهور امام عصر منجی موعود

به قرینه اینکه «مُتَحَرِّکُنَا»، در ادامه چنین توصیف شده است: که با او بین «رکن و مقام» در مکه بیعت می‌شود^۸، به یقین مقصود «امام مهدی» است. زیرا متواتر است که امام عصر از مکه، ظهور و قیام خواهند فرمود^۱ و اما اینکه چرا با اینکه می‌شد تعبیر «قائم آل محمد»^۲ - که تعبیر صریح‌تری است - ذکر شود

۱. آل بنی فلان قبل از ظهور بر عربستان حکومت می‌کنند: يَا زُرَّازَةُ لَا بُدَّ مِنْ قَتْلِ غَلَامٍ بِالْمَدِينَةِ ... يَقْتُلُهُ جَيْشُ آلِ بَنِي فَلَانٍ. (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷)؛ و سفیانی همپیمان خاندان آل فلان حاکم در عربستان است: فَيَبْتَدِرُ الْحَسَنِيُّ إِلَى الْخُرُوجِ فَيَثْبُ عَلَيْهِ أَهْلُ مَكَّةَ فَيَقْتُلُونَهُ وَيَبْعَثُونَ بِرَأْسِهِ إِلَى الشَّامِ ... وَيَبْعَثُ الشَّامِيُّ عِنْدَ ذَلِكَ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۲۵).

۲. در احادیث، برای ایرانیان عبارت «لَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ» و نقش زمینه‌سازی ذکر شده است (نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۳).

۳. عبارت مثلث «غربی، عبری، عربی» و اصطلاحات مشابه دیگر در این نوشتار، برگرفته از احادیث است. به عنوان مثال در گذشته برای رومی‌ها، عنوان صلیبی، اطلاق می‌شده است که معادل امروزی آن، غربی‌ها گفته می‌شود؛ و نیز سایر موارد در این نوشتار به همین منوال است و یا اصطلاح امروزی برای گفتار قرآنی «فساد بنی‌اسرائیل در فلسطین با محوریت مسجد الاقصی» که در سوره اسراء به آن اشاره شده است، از آن به رژیم اسرائیل و یهود صهیونیسم یاد می‌شود. البته این رویه در مقالات پژوهشی در فصلنامه‌های علمی، نیز متداول است (به عنوان نمونه: مودب، واکاوی تفسیری آیات سوره اسراء درباره فساد بنی‌اسرائیل، فصلنامه مطالعات تفسیری، ش ۳۴، ص ۹۴-۹۵. طباطبایی امین، ارتباط سوره اسراء با مهدویت و نقد و بررسی آراء مفسران فریقین، فصلنامه مشرق موعود، ش ۵۰، ص ۳۴۳).

۴. طوسی، الغيبة، ص ۴۷۷.

۵. طبری، دلائل الإمامة، ص ۴۶۶.

۶. ابن بطریق، عمدة عیون صحاح الاخبار، ص ۴۳۳. لازم به ذکر است «ابدال الشام» از بیعت کنندگان با امام عصر در هنگامه ظهور با اصطلاح «ابدال» در کتب برخی عرفا فرق دارد. توضیح اینکه: در احادیث متعددی ذکر شده، بعد از ظهور و قیام امام عصر از کنار کعبه در مکه، شیعیان مناطق مختلف همچون رایات من خراسان، عصائب عراق، اهل یمن، نجباء مصر و ابدال شام با حضرت بیعت خواهند نمود (مفید، الاختصاص، ص ۲۰۸). در الغیبه شیخ طوسی بیعت شیعیان چنین گزارش شده است: يُبَايِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ نِيفَ عِدَّةٍ أَهْلُ بَدْرٍ فِيهِمُ النَّجْبَاءُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ وَ الْأَبْدَالُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ وَ الْأَخْبَارُ (در نسخه کتاب عمدة عیون صحاح و کتاب الاختصاص، واژه «عصائب عراق» ذکر شده است) مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ (طوسی، الغيبة، ص ۴۷۷). ضمن اینکه برخی از این افراد در زمره ۳۱۳ نفر یاران امام عصر نیز قرار خواهند گرفت: خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ ... وَ رَجُلٌ مِمَّا أَهْلُ الْبَيْتِ يُبَايِعُ لَهُ بَيْنَ رَمَزَمَ وَ الْمَقَامِ يَرْكَبُ إِلَيْهِ عَصَائِبُ أَهْلِ الْعِرَاقِ وَ أَبْدَالُ الشَّامِ وَ نَجْبَاءُ أَهْلِ مِصْرَ وَ تَصِيرُ أَهْلُ الْيَمَنِ عِدَّتَهُمْ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ (طبری، دلائل الإمامة، ص ۴۶۶. مفید، الاختصاص، ص ۲۰۸).

۷. برای آگاهی بیشتر: ایران قبل از ظهور، مواجهه نظامی بعد از دو مرحله مطالبه حق (لینک).

۸. فَإِذَا تَحَرَّكَ مُتَحَرِّكُنَا ... لَكَانِي أَنْظُرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ يُبَايِعُ النَّاسَ (نعمانی، الغيبة، ص ۱۹۴).

اما اصطلاح «مُتَحَرِّكُنَا» استعمال شده است، وجوه مختلفی می‌توان بیان کرد از جمله زیرا قبل از این عبارت، دعوت به سکون و عدم تحرک نظامی شده است اما برای اینکه مخاطب گمان ننماید که عدم مداخله نظامی، بی‌حد و مرز است، با استعمال لفظ «متحرکنا» برای امام عصر، به مخاطب این پیام را گوشزد می‌کند که در عین حال باید آمادگی کامل نظامی وجود داشته باشد تا به محض اعلان «ساعت صفر» ظهور و قیام جهانی حضرت، زمینه‌سازان ظهور و محور مقاومت شیعی با آمادگی کامل نظامی^۳ در میادین رزم با دشمن، حضور فعال داشته باشند. بنابراین مناسب مقام چنین اقتضایی دارد.

اقوال مختلف در گزاره آتش آذربایجان قبل ظهور

همانطور که بیان گردید گزاره «آتش آذربایجان» در الغیبة نعمانی نقل شده است و البته در دیگر کتب حدیثی شیعه از جمله کتاب الملاحم و الفتن^۴ ابن طاووس، کتاب إثبات الهداة^۵ حر عاملی، نیز تکرار شده است. بنابراین همه کتب شیعی نسخه «لابد لنار» را ثبت و ضبط کردند لکن در نسخه متاخر (کتاب بحار الأنوار)، نسخه «لابد لنا» ترجیح داده شده است که همین اختلاف نسخ، موجب برداشت‌های گوناگون و در این رابطه «سه دیدگاه مهم» مطرح شده است:

دیدگاه اول: قیام آذربایجان در حمایت از حکومت زمینه‌ساز

در کتاب بحار الأنوار علامه مجلسی به جای عبارت «لابد لنار»، عبارت «لابد لنا» است^۶ که برخی از معاصرین نیز این نسخه را برگزیده‌اند^۷ و در تقویت نظریه خویش، شواهدی نیز اقامه می‌کنند^۸؛ آنگاه موافقان این دیدگاه، گزاره «لابد لنا من آذربایجان» را این‌گونه معنا می‌کنند: آذربایجان قطعا در جهت حمایت از ما اهل بیت است (پرچم هدایت و و ذخیره الهی است برای انقلاب امام مهدی)^۹ و این واقعه حتما به وقوع خواهد پیوست. در این صورت اشاره به قیام

۱. مَهْدِيٌّ أَمْتِي ... يُبَايِعُهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ (صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۵)؛ الْقَائِمُ ... بِمَكَّةَ ... فَيُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ (نعمانی، ص ۲۸۱-۲۸۲)؛ يُبَايِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ (طوسی، الغیبة، ص ۴۷۷).

۲. سعیدی، اوصاف المهدی، ص ۱۲۲.

۳. فَأَنْهَدُوا إِلَيْنَا بِالسَّلَاحِ (نعمانی، الغیبة، ص ۱۹۲).

۴. ابن طاووس، الملاحم و الفتن، ص ۳۷۰.

۵. حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۵۸.

۶. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵ و ۲۹۳.

۷. کورانی، عصر الظهور، ص ۴۱. خراسانی، مهدی منتظر، ص ۲۱۴. کورانی، عصر ظهور، ص ۶۳. سلیمان، يوم الخلاص، ص ۲۱۸.

۸. ظَهَرَتْ لَوْلَايَ زَايَاتُ التُّرُكِ (نعمانی، الغیبة، ص ۱۴۶) و به قرینه حرکت‌های مردمی در دیلم و خراسان، از اینرو در آذربایجان نیز قیام مردمی در جهت حمایت از حکومت زمینه‌ساز رخ خواهد داد و بنابراین نسخه «لابد لنا» صحیح است.

۹. لَا بَدَّ لثَوْرَةِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامِ مِنْ ثَوْرَةٍ تَنْطَلِقُ مِنْ آذَرَبَيْجَانٍ لَا يَقِفُ بَوَجْهَهَا شَيْءٌ (سلیمان، يوم الخلاص، ص ۲۱۸)؛ و حركة هدى في آذربایجان (کورانی، عصر الظهور، ص ۴۱). اَنَّ حَرَكَةَ آذَرَبَيْجَانٍ لَا بَدَّ مِنْهَا لِلظُّهْرِ الْمُقَدَّسِ ... رَايَاتِ التُّرُكِ تَرْفَعُ دَاعِيَةً لِلْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ (کورانی، المعجم الموضوعي لإحاديث الإمام المهدی، ص ۶۱۱).

مردمی در غرب ایران (آذربایجان) در جهت تقویت جبهه زمینه‌ساز شیعی و حمایت از فرایند امر ظهور حضرت دارد؛^۱ کما اینکه قیام‌های مردمی دیگری در نقاط مختلف ایران از جمله شمال ایران (دیلیم و جیلان) و شرق ایران (خراسان) در سال ظهور شکل خواهد گرفت^۲ و در نهایت همه این حرکت‌های مردمی، موجب تقویت موافقین حضرت در ایران و جبهه سید خراسانی و حکومت زمینه‌ساز خواهد شد. زیرا چنین به نظر می‌رسد قبل از ظهور، صحنه سیاسی ایران، شاهد اختلاف و رویارویی مخالفان (غرب‌گرایان) با موافقان (زمینه‌سازان) امر ظهور در این کشور است^۳ و در واقع حرکت مردم در آذربایجان و دیگر نقاط ایران در جهت تأیید حکومت زمینه‌ساز و تسهیل فرایند ظهور خواهد بود.^۴

ابهامات و سوالات

لکن این دیدگاه با ابهاماتی روبرو است: زیرا نسخه «لابد لنا»، نسخه ضعیف و شاذ است ضمن اینکه در صورت اختلاف نسخ، نسخه کتاب اصلی و منبع، ارجح است و کتاب الغیبة نعمانی، تقدم رتبی و علمی نیز دارد؛ مضاف بر این نسخه «لابد لنا» در دیگر کتب حدیثی نیز تکرار شده است؛^۵ اما نسخه «لابد لنا» در کتاب بحارالانوار در عین اینکه «نسخه متاخر» است، «نسخه منفرد» نیز است و در هیچ کتاب دیگری مشابه آن وجود ندارد. نویسندگان آثار مهدوی نیز همگی نسخه متقدم (لابد لنا) را پذیرفته‌اند و از نسخه متاخر اعراض کردند^۶؛ از مجموع آنچه بیان گردید، نسخه «لابد لنا» اصح است.

ضمن اینکه اگر فرض بر صحت نسخه «لابد لنا» باشد، تناقض و ابهام محتوایی نیز پیش خواهد آمد: زیرا «صدر حدیث» می‌فرماید: در منطقه آذربایجان، قیام مردمی در جهت حمایت از آرمان امام مهدی شکل خواهد گرفت و طبیعتاً هرکسی توان دارد باید به آن پیوندد زیرا قیامی مورد تأیید اهل بیت است (لنا) و چیزی هم جلودار این قیام نخواهد بود (لایقوم لها شیء) اما «ذیل حدیث» به صراحت می‌فرماید: شیعه در خانه هایشان باشند (احلاس بیوتکم، کنایه از عدم مشارکت) و شیعیان در این قیام شرکت نکنند.^۷ چگونه است در عین اینکه قیامی مورد تأیید اهل بیت و یاری امام عصر است اما شیعه نباید در این قیام شرکت کند؟ بنابراین دیدگاه استاد کورانی با ابهام روبرو است.

ضمن اینکه منطقه آذربایجان قدیم، منطقه وسیعی بوده و شامل مناطقی خارج از ایران نیز می‌شود و معلوم نیست قطعاً آذربایجان داخل ایران مراد است یا خارج از ایران؟ حال چگونه وقتی استدلالی بر پایه احتمال بنا نهاده شده است، چنین مطرح شود که در راستای تأیید حکومت زمینه‌سازان ایرانی، قیامی

۱. مهدی‌پور، روزگار رهایی، ج ۲، ص ۱۰۳۱.

۲. قَامَ الْقَائِمُ بِخُرَاسَانَ ... وَ قَامَ مِنَّا قَائِمٌ بِجِلَّانَ (نعمانی، الغیبة، ص ۲۷۵).

۳. کورانی، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدی، ص ۴۹۵ و ۵۰۵-۵۰۶. کورانی، فرهنگ موضوعی احادیث امام مهدی، ص ۶۸۳ و ۶۹۵-۶۹۶.

۴. کورانی، المعجم الموضوعی لاحادیث الامام المهدی، ص ۶۱۰-۶۱۱. کورانی، فرهنگ موضوعی احادیث امام مهدی، ص ۸۰۳-۸۰۴.

۵. ابن طاووس، الملاحم و الفتن، ص ۳۷۰. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۵. حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۵۸.

۶. بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۱۳، ص ۷۴. مرتضی عاملی، مختصر مفید، ج ۳، ص ۱۶۲-۱۶۳.

۷. در واقع عبارت «احلاس بیوتکم» با نسخه «لابد لنا» سازگاری ندارد؛ زیرا مگر می‌شود حرکت مردمی آذربایجان در دفاع از اهل بیت و نصرت امام عصر، شکل بگیرد لکن امام معصوم دستور به خانه‌نشینی و عدم حمایت از این قیام را صادر نمایند؟

شکل خواهد گرفت؟ در حالیکه نصیحت اهل بیت به عدم مشارکت شیعه در این قیام است. و البته در فصول قبلی، نیز شواهد متعددی در ضعف این دیدگاه بیان گردید.^۱

دیدگاه دوم: آتش آذربایجان و شعله‌های آغاز جنگ جهانی قبل ظهور

دیدگاه دوم، عبارت «لَا بَدَّ لِنَارٍ» و ارتباط آتش آذربایجان با جنگ جهانی قبل از ظهور را مطرح می‌کند و همانطور که بیان گردید منظور از آذربایجان، مناطقی خارج از ایران، مقصود است^۲ و در واقع اشاره به فتنه‌هایی دارد که از سمت آذربایجان مانند آتش به سایر نقاط نیز شعله‌ور می‌شود و به قرینه «لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ» بتدریج گسترش می‌یابد^۳؛ در فرض صحت این دیدگاه، به قرینه «أَخْلَسَ بُيُوتَكُمْ»، آتش آذربایجان در زمره حوادث ایران محسوب نمی‌شود بلکه مربوط به شراره‌های جنگ جهانی قبل از ظهور خواهد بود و به شیعیان توصیه شده است نقش بی‌طرفی را در پیش بگیرند.^۴

البته شعله‌های آتش جنگ جهانی در اثر عوامل مختلفی ایجاد خواهد شد و در کنار آتش آذربایجان، حوادث دیگری همچون: اختلاف ترک با روم، حوادث شرق سوریه (قرقیسیا)، اختلاف بین غربی‌ها (هرج الروم)، اختلاف شرق با غرب و ... این حادثه را رقم خواهند زد.

اختلاف ترک‌ها با غربی‌ها

قبل ظهور از اختلاف ترک‌ها با رومی‌ها به دلیل تضاد منافع در مناطق مختلف، سخن به میان آمده است که یکی دیگر از عواملی است که جنگ‌ها در سراسر جهان، شعله‌ور خواهد شد:

فَإِذَا خَالَفَ التُّرْكُ الرُّومَ وَ كَثُرَتِ الْحُرُوبُ فِي الْأَرْضِ^۵؛ يَتَخَالَفُ التُّرْكُ وَ الرُّومُ وَ تَكْثُرُ الْحُرُوبُ فِي الْأَرْضِ وَ يُنَادِي مُنَادٍ مِّنْ سُوْرٍ دِمَشْقَ وَيْلٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ شَرٍّ قَدْ اقْتَرَبَ.^۶

۱. نک: تیترا اعتبارسنجی «محتوایی» جنگ آذربایجان.

۲. اینکه امام معصوم، شیعه را به عدم مداخله نظامی در جنگ منطقه آذربایجان فراخواندند (فَكُونُوا أَخْلَسَ بُيُوتَكُمْ)، بیانگر این است که این جنگ، ابتدا در مناطقی خارج از محدوده جغرافیای «حکومت شیعه زمینه‌ساز» رخ خواهد داد.

۳. «لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ» دلالت بر این دارد که جنگ در ناحیه آذربایجان، تداوم و گسترش می‌یابد و هیچ حدّ و مرزی برای آن وجود ندارد. لازم به ذکر است این عبارت در تراث حدیثی فقط برای خشم و قدرت الهی استعمال شده است: بِقُوَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ (طوسی، مصباح المتعجب، ج ۲، ص ۵۷۲)؛ عِنْدَ غَضَبِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۷۴). و حاکی از این است که این آتش هیچ چیز جلودار آن نیست.

۴. علی الصغیر، اسئله مهدویة، سوال ۱۴۱۶ (لینک)؛ نار اذربيجان بين المخزون الروائي و مجريات الواقع المعاصر، یوتیوب (لینک).

۵. طوسی، الغیبة، ص ۴۴۱.

۶. طوسی، الغیبة، ص ۴۶۳.

و به قرینه عبارت «لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ» که حاکی از گسترش آتش دارد و نیز به دلیل اینکه ترک‌ها از عوامل اصلی دخیل در تخریب آذربایجان هستند؛^۱ قطعا یکی از دلایل اختلاف غربی‌ها با ترک‌ها در حوادث منطقه آذربایجان خواهد بود. و همانطور که بیان گردید، حکمت و چرایی ذکر «لایقوم لها شیء» برای آتش جنگ آذربایجان، شاید به این دلیل باشد که در خلال حوادث این منطقه و متأثر از آن، کشورهای دیگر به دلیل تضاد منافع، دچار اختلاف با یکدیگر و جنگ می‌شوند. و به قرینه اینکه در گزارش جنگ ولد عباس با جوانان ارمنی و آذری نیز از کلیدواژه‌های مشترک (قتل آلاف آلاف، موت احمر و طاعون) با جنگ جهانی استفاده شده است^۲، بیانگر این است آتش جنگ در منطقه آذربایجان در کنار اختلاف ترک‌ها با رومی‌ها و نیز در کنار حوادث فتنه شام در شرق سوریه قرقیسیا، از عوامل شعله‌های شرارت آتش «جنگ جهانی قبل ظهور»^۳ است.^۴

جنگ بلوک شرق و غرب: هرج و مرج جهانی

البته علت شروع جنگ جهانی منحصر به قرقیسیا و اختلاف ترک با رومی‌ها نیست بلکه قبل ظهور، هرج و مرج جهانی عالم‌گیر خواهد شد:

و مِنَّا مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةِ إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرْجًا وَ مَرَجًا ... فَحِينَئِذٍ يَأْذُنُ اللَّهُ لَهُ بِالْخُرُوجِ.^۵

مشابه حدیث فوق در منابع شیعی با سندهای مختلف و ذکر کثیری از راوت حدیث در طریق روایات، نیز نقل شده است.^۶

اختلاف «بلوک شرق با غرب» موجب «خوف و ترس» و «نارضایتی عمومی» جهانی خواهد شد و تا ظهور و ندای آسمانی ادامه خواهد داشت:

اِخْتَلَفَ أَهْلُ الْمَشْرِقِ وَ أَهْلُ الْمَغْرِبِ ... وَ يَلْقَى النَّاسَ جُهْدٌ شَدِيدٌ مِمَّا يَمُرُّ بِهِمْ مِنَ الْخَوْفِ فَلَا يَزَالُونَ بِتِلْكَ الْحَالِ حَتَّى يَنَادِيَ مُنَادٌ مِنَ السَّمَاءِ.^۷

۱. لِلتُّزْكِ خَرْجَتَانِ: خَرْجَةٌ مِنْهَا خَرَابُ آذَرْبَيْجَانٍ، وَ خَرْجَةٌ يَخْرُجُونَ فِي الْجَزِيرَةِ (ابن طاووس، الملاحم و الفتن، ص ۱۹۱).

۲. حَزْبٌ وَ لَدِ الْعَبَّاسِ مَعَ فُتَيَّانٍ أَرْمِينِيَّةٍ وَ آذَرْبَيْجَانٍ تِلْكَ حَزْبٌ يُقْتَلُ فِيهَا الْوُفُّ وَ الْوُفُّ كُلُّ يَقْبِضُ عَلَى سَيْفٍ مُحَلَّى تَخْفِقُ عَلَيْهِ رَايَاتُ سُودٍ تِلْكَ حَزْبٌ يَشُوْهُهَا (يُسْتَبَشَّرُ فِيهَا) الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ وَ الطَّاعُونَ (نعمانی، الغيبة، ص ۱۴۷. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۶. حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۵۴).

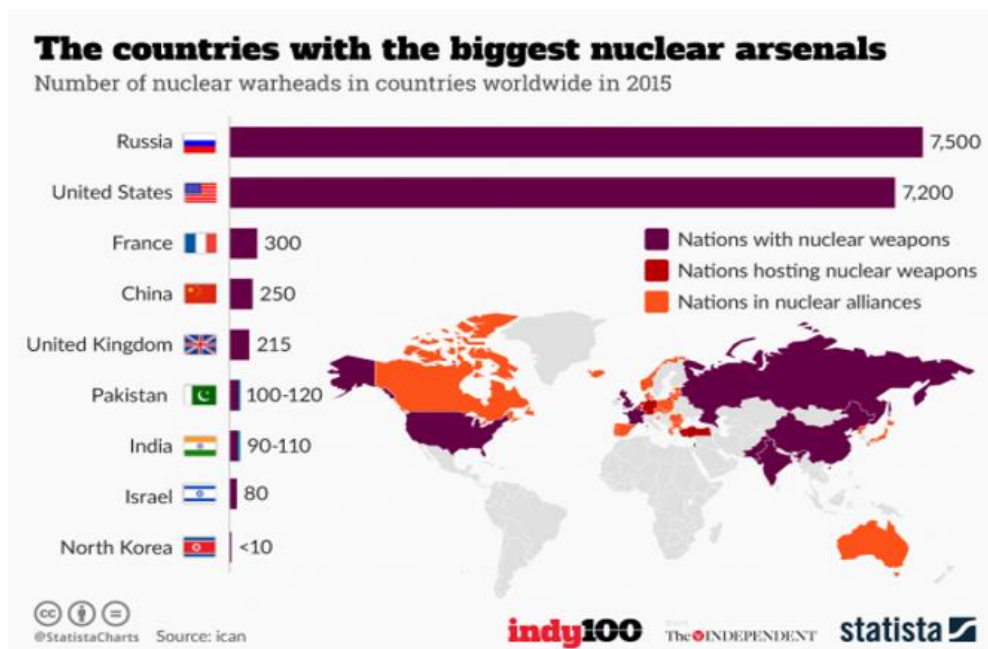
۳. قُدَّامَ الْقَائِمِ مَوْتَانِ: مَوْتُ أَحْمَرٌ وَ مَوْتُ أَبْيَضٌ ... الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ الشَّيْفُ وَ الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ الطَّاعُونَ (صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۵)؛ سند حدیث نیز معتبر است (ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۷، ص ۲۸۹).

۴. ر.ک: جنگ ولد عباس با ارمنی‌ها و شعله‌های جنگ جهانی.

۵. گنجی شافعی، البیان فی أخبار صاحب الزمان، ص ۴۷۹؛ سیوطی، العرف الوردی، ص ۱۱۸.

۶. خزاز رازی، کفایة الأثر، ص ۶۳، ۱۰۷ و ۱۵۱.

۷. نعمانی، الغيبة، ص ۲۶۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۵. همه راویان، امامی و ثقه و جلیل‌القدر و سند حدیث نیز موثق و معتبر است (مرکز نور، نرم‌افزار درایة النور). ضمن اینکه راویان حدیث فوق با حدیث آتش آذربایجان، مشترک است (ر.ک: اعتبارسنجی سندی آتش آذربایجان).



شعله‌های آتش جنگ جهانی قبل ظهور (لینک)

و البته این خوف و ترس فراگیر در اثر حملات کشورهای متخاصم به یکدیگر در قالب جنگ های منطقه‌ای و بین‌المللی ادامه خواهد یافت:

خَرَابُ السُّنْدِ مِنَ الْهِنْدِ، وَ خَرَابُ الْهِنْدِ مِنَ الصِّينِ ... وَ خَرَابُ الزَّوْرَاءِ مِنَ السُّفْيَانِي ... يُنَادِي مُنَادِي الْجَرْحَى عَلَى الْقَتْلَى وَ دَفْنِ
الرَّجَالِ وَ غَلَبَةُ الْهِنْدِ عَلَى السُّنْدِ ... وَ غَلَبَةُ أُنْدُلُسَ عَلَى أَطْرَافِ إفْرِيقِيَّةَ ... وَ غَلَبَةُ الرُّومِ عَلَى الشَّامِ وَ غَلَبَةُ أَهْلِ أَرْمِينِيَّةَ عَلَى
أَرْمِينِيَّةَ ... ثُمَّ ذَكَرَ خُرُوجَ الْقَائِمِ.^۲

جنگ های بین هند و پاکستان و بین هند و چین، حمله سفیانی به عراق، چیره شدن اندلس (اروپایی ها) بر برخی از مناطق آفریقا و تسلط رومی ها بر منطقه شام و مغلوب شدن ارمنی ها در جنگ با دشمن^۳، همگی در زمره مصادیق هرج و مرج جهانی و تنازع بلوک شرق و غرب است. البته جنگ به سایر نقاط نیز گسترش پیدا خواهد کرد؛ زیرا هر یک از ممالک و کشورها، همپیمانانی دارند که ناگزیر به حمایت از آنان، وارد میدان جنگ خواهند شد.

۱. ابن کثیر، النهاية فی الفتن و الملاحم، ج ۱، ص ۸۰.

۲. ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۲، ص ۲۷۴.

۳. غَلَبَةُ أَهْلِ أَرْمِينِيَّةَ عَلَى أَرْمِينِيَّةَ: شگفت اینکه از «دشمن ارمنی ها» در جنگ با «ارمنی ها»، به «اهل ارمنیه» یاد شده است زیرا در صدر اسلام، ارمنیه بر مناطقی وسیعی بین آذربایجان قدیم و روم اطلاق می شده: ارمنیه ناحیه بین آذربایجان و الروم (قزوینی، آثار البلاد، ص ۴۹۵) که حتی برخی مناطق کشور آذربایجان کنونی را نیز شامل می شود.

ماه صفر، آغاز جنگ‌های قبل از ظهور

لازم به ذکر است طبق برخی اقوال، زمان آغاز جنگ‌ها قبل ظهور در مناطق مختلف دنیا به مدت یکسال از «ماه صفر تا ماه صفر» ادامه خواهد داشت:

مِنْ كِتَابِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَشَّارٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُظْهِرَ آلَ مُحَمَّدٍ بَدَأَ الْحَرْبُ مِنْ صَفَرٍ إِلَى صَفَرٍ وَ ذَلِكَ أَوَانُ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ.^۱

لكن حديث فوق الذكر، دلالت قطعی بر وقوع هرج الروم، نزاع نظامی بین بلوک شرق و غرب و هرج و مرج جهانی ندارد بلکه صرفاً به آشوب‌ها و جنگ‌های قبل از ظهور اشاره شده است. ضمن اینکه حدیث تصریحی به مدت یکسال ندارد و ابهام دارد بلکه صحیح آن است اینگونه معنا شود که برخی از جنگ‌های قبل ظهور، آغاز و پایانش در ماه صفر است.

۱. عاملی نباطی، الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۸. حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۲۰۶.

عوامل جنگ جهانی قبل ظهور

حال با تشکیل «خانواده حدیثی» اگر واقعه «هرج الروم» (جنگ بین غربی‌ها)^۱ که در احادیث متعدد به طرق مختلف و موثق^۲ با «سه سند معتبر»^۳ گزارش شده است^۴ را به احادیث «جنگ قرقیسیا» در شرق سوریه^۵، و احادیث «اختلاف ترک با روم»^۶، و اختلاف «بلوک شرق با غرب»^۷، و نیز احادیث «قتل و مرگ جمعیت کثیری از دنیا»^۸ ضمیمه نمائیم؛ از اینرو، بسیاری از انسان‌ها با «جنگ جهانی» قبل ظهور، در اثر «مرگ سرخ»^۹ و «مرگ سفید»^{۱۰} به قتل می‌رسند.

۱. الهرج: الفتنة (جوهری، الصحاح، ج ۱، ص ۳۵۰) و القتال (فراهیدی، العین، ج ۳، ص ۳۸۸)؛ الْهَرْجُ: شِدَّةُ الْقَتْلِ وَ كَثْرَتُهُ (ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۳۸۹)؛ فی الحدیث: قَدْ دَامَ السَّاعَةُ هَرْجٌ أَى قِتَالٌ شَدِيدٌ (ازهری، تهذیب اللغة، ج ۶، ص ۳۲). در منابع حدیثی فریقین نیز واژه «هرج» بیشتر به معنای قتل و جنگ، به کار رفته است: الهرج: القتل (صدوق، معانی الأخبار، ص ۳۵۷)؛ بَيْنَ بَدَى السَّاعَةِ ... يَكْثُرُ فِيهَا الْهَرْجُ وَ الْهَرْجُ الْقَتْلُ (بخاری، صحیح البخاری، ج ۱۱، ص ۱۱. النیسابوری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۰۵۶).

۲. سند واقعه «هرج الروم»، موثق و صحیح است (رستمی، بررسی توصیفی و تحلیلی کتاب الغیبة شیخ طوسی، ص ۶۱-۶۵. آیتی، تاملی در نشانه‌های حتمی ظهور، ص ۸۱ و ۸۴. علی الصغیر، علامات الظهور بحث فی فقه الدلالة و السلوک، ج ۲، ص ۱۶۱-۱۶۴).

۳. ری‌شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۷، ص ۱۲۵.

۴. از جمله، سند موثق و معتبر در کتاب الغیبه شیخ طوسی: أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: شَيْخٌ مَفِيدٌ ثَقَّةٌ (نجاشی، الرجال، ص ۳۹۹) عن محمد بن علي بن الحسين: شيخ صدوق ثقه (نجاشی، الرجال، ص ۳۹۰) عن محمد بن الحسن: ابن وليد ثقه (نجاشی، الرجال، ص ۳۸۳) عن أحمد بن إدريس: ثقه (نجاشی، الرجال، ص ۹۲) عن علي بن محمد بن قتيبة: ممدوح (نجاشی، الرجال، ص ۲۵۹) عن الفضل بن شاذان: ثقه (نجاشی، الرجال، ص ۳۰۷) عن الحسن بن محبوب: اصحاب اجماع ثقه (کشی، الرجال، ص ۵۵۶) عن عمرو بن أبي المقدام: ممدوح ثقه (کشی، الرجال، ص ۳۹۲. ابن داود، الرجال، ص ۴۸۸) عن جابر الجعفی: ثقه (کشی، الرجال، ص ۱۹۶) عن أبي جعفر: (امام معصوم).

۵. منطقه قرقیسیا: محل اتصال رود خابور به فرات در شرق سوریه در دیرالزور است (حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۲۸). حوادث منطقه قرقیسیا در سوریه یکی از علت‌های اصلی جنگ بین جبارین و قدرت‌های استعماری است: بِقَرَقِيسِيَاءَ ... هَلُمُّوا إِلَى الشَّيْعِ مِنْ لُحُومِ الْجَبَّارِينَ (نعمانی، الغیبة، ص ۲۷۸). از زمان خلقت آسمان و زمین در تاریخ بشریت، چنین جنگی روی نداده و روی نخواهد داد و بیانگر این است از سلاح‌های غیرمتعارف استفاده خواهد شد که قبل از آن سابقه نداشته است: يَا مُيَسَّرُ، كَمْ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ قَرَقِيسَا (قرقیسیا) ... إِنَّهُ سَبْكَوْنُ بِهَا وَقَعَةٌ لَمْ يَكُنْ مِثْلُهَا مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ لَا يَكُونُ مِثْلُهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۹۵). همه راویان، امامی و ثقه و جلیل‌القدر و سند حدیث نیز موثق است (مرکز نور، نرم‌افزار درایة‌النور).

۶. فَإِذَا خَالَفَ التُّزْكُ الرُّومَ وَ كَثُرَتِ الْحُرُوبُ فِي الْأَرْضِ (طوسی، الغیبة، ص ۴۴۱)؛ يَتَخَالَفُ التُّزْكُ وَ الرُّومُ وَ تَكْثُرُ الْحُرُوبُ فِي الْأَرْضِ وَ يُتَادَى مُنَادٍ مِنْ سُرٍ دِمَشْقَ وَيُلُّ لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ شَرٍّ قَدْ اقْتَرَبَ (طوسی، الغیبة، ص ۴۴۳).

۷. اخْتَلَفَ أَهْلُ الْمَشْرِقِ وَ أَهْلُ الْمَغْرِبِ ... وَ يَلْقَى النَّاسُ جُهْدًا شَدِيدًا مِمَّا يَمُرُّ بِهِمْ مِنَ الْخَوْفِ (نعمانی، الغیبة، ص ۲۶۲).

۸. قَدْ دَامَ الْقَائِمُ مَوْتَانِ: مَوْتُ أَحْمَرٍ وَ مَوْتُ أَبْيَضٍ ... الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ السَّيْفُ وَ الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ الطَّاعُونُ (صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۵۵)؛ سند حدیث نیز معتبر است (ری‌شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۷، ص ۲۸۹).

۹. مرگ سرخ (الموت الاحمر): جنگ و خونریزی، کنایه از سلاح‌های جنگی و اتمی.

۱۰. مرگ سفید (الموت الابيض): طاعون، کنایه از سلاح‌های شیمیایی و میکروبی و بیوتروربسم.

Pope warns world is one step away from nuclear war



پاپ: جهان تنها یک گام با آغاز جنگ هسته‌ای فاصله دارد (لینک)

سنت الهی اضمحلال جبهه استکبار قبل ظهور

البته مجموعه عواملی همچون: آتش آذربایجان، اختلاف ترک با روم، حوادث شرق سوریه (قرقسیا)، اختلاف بین غربی‌ها (هرج الروم)، اختلاف شرق با غرب و ... که شعله‌های جنگ جهانی را رقم خواهند زد، در واقع «سنت الهی» برای تضعیف و اضمحلال قدرت‌های بزرگ قبل ظهور است^۱. شاهد بر این امر، بعد از ظهور هیچ سخنی از لشکرکشی نظامیان غربی به مقر حکومتی امام عصر در حجاز و عراق نیست بلکه این لشکر جبهه حق است که با قدرت نظامی خیره‌کننده به سمت فلسطین و منطقه شام حرکت می‌کند و موجبات آزادی نهایی قدس فراهم خواهد شد.^۲

دیدگاه سوم: نقشه حمله به ایران از سمت همسایگان شمال غربی

دیدگاه سوم، نگاه بسیار متفاوتی را نسبت به دو دیدگاه پیشین ابراز و بیان می‌نماید: مقصود از آذربایجان، مناطقی در ایران است و در آستانه ظهور، آتشی از سمت آذربایجان در شمال غربی ایران توسط دشمن (کنایه از نقشه و تدارک حمله از سمت آذربایجان) شکل خواهد گرفت. و هرچند شکست در یک جبهه، محتمل است لکن پیروز نهایی در مصاف با دشمن، متعلق به جبهه زمینه‌ساز ایران خواهد بود؛ ازجمله شکست دادن بزرگترین دشمن امام عصر، لشکر

۱. سنت استدراج الهی: الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (سوره اعراف، آیه ۱۸۲)؛ سنت استیصال و اضمحلال جبهه باطل: كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ (سوره طه، آیه ۱۲۸)؛ سنت نجات مومنان: نَتَجَّى رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنْجِ الْمُؤْمِنِينَ (سوره یونس، آیه ۱۰۳)؛ سنت غلبه حق بر باطل: يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُجِثَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ (سوره انفال، آیه ۷). هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ (سوره فتح، آیه ۲۸).

۲. برای آگاهی بیشتر: فلسطین قبل از ظهور، زمان جنگ شیعه با رژیم صهیونیستی، نابودی اسرائیل قبل یا بعد از ظهور (لینک).

نظامی سفیانی در عراق - که حمایت و پشتیبانی مثلث «غربی عبری عربی» را دارد- توسط سپاه لشکر زمینه‌ساز ایرانی^۱ که بعد از این واقعه، مردم تمنا و آرزوی ظهور حضرت را خواهند داشت.^۲

البته مدافعان این نظریه در تقویت این دیدگاه سوم می‌کوشند به شواهدی از میراث حدیثی، نیز استناد نمایند که در ادامه نقد و بررسی خواهد شد:

تحرکات دشمن از مرزهای شمالی ایران

در کتاب کمال‌الدین شیخ صدوق، از قصد و طراحی نقشه حمله دشمنان از سمت آذربایجان به منطقه ری (تهران) در نزدیکی طالقان ایران، سخن به میان آمده است که البته با تدبیر الهی، بین دشمنان جنگی سخت و بسیار هولناک رخ می‌دهد و نقشه حمله به ایران، منتفی خواهد شد:

يَخْرُجُ السَّرُوسِيُّ مِنْ أَرْمِينِيَّةَ وَ آذَرَبِيجَانَ يُرِيدُ وَرَاءَ الرَّيِّ الْجَبَلَ الْأَسْوَدَ الْمُتَلَحِّمَ بِالْجَبَلِ الْأَحْمَرِ لَزِيْقَ جَبَلِ طَالْقَانٍ فَيَكُونُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْمَرْوَزِيِّ وَقْعَةً ... وَ يَظْهَرُ الْقَتْلُ بَيْنَهُمَا.^۳

ضمن اینکه در روایتی دیگر از خسف «بلاد جبال» در ایران از جمله خسف منطقه ری (تهران) در هنگامه ظهور، سخن به میان آمده است:

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَيْنَ بِلَادُ الْجَبَلِ فَإِنَّا قَدْ رَوَيْنَا أَنَّهُ إِذَا رُدَّ إِلَيْكُمْ الْأَمْرُ يُخْسَفُ بَعْضُهَا ... فَأَمَّا الرَّيُّ فَوَيْلٌ لَهُ مِنْ جَنَاحِهِ.^۴

که احتمال دارد با توجه به حدیث کمال‌الدین، مراد از خسف ری، خرابی در نتیجه انجام موفقیت‌آمیز حمله دشمن باشد؛ لکن این احتمال ضعیف است، زیرا بیان گردید در حدیث کمال‌الدین، صرفاً به «قصد و نقشه» حمله به ایران اشاره شده است اما سخنی از وقوع و عملیاتی شدن آن در میان نیست و مسکوت است و در فرض صحت ارتباط حدیث دوم با حوادث ایران قبل ظهور - به دلیل وجود قرینه (إِذَا رُدَّ إِلَيْكُمْ الْأَمْرُ)^۵ - مراد از خسف ری، حادثه طبیعی در اثر زلزله در «منطقه ری» باشد که منجر به خسف و فرو رفتن زمین در مناطق از ری (تهران) نیز می‌شود.

افشاگری امام جمعه اردبیل از فتنه جنگ در آذربایجان

۱. يَبْعَثُ السُّفْيَانِيُّ جَيْشًا إِلَى الْكُوفَةِ ... فَبَيْنَمَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَتْ زَايَاتٌ مِنْ قِبَلِ خُرَاسَانَ ... وَ مَعَهُمْ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ (نعمانی، الغيبة، ص ۲۸۰).

۲. إِذَا هَزَمَتِ الزَّيَّاتُ السُّودَ خَيْلَ السُّفْيَانِيِّ ... تَمَنَّى النَّاسُ الْمَهْدِيَّ فَيَطْلُبُونَهُ (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۹۰).

۳. صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۶۹.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۲.

۵. در تراث حدیثی شیعه از امام عصر به «صاحب الامر» تعبیر شده است: لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۶)؛ لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ الَّذِي ... يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ (نعمانی، الغيبة، ص ۲۶۶) و مقصود از بازگشت امر به اهل بیت (إِذَا رُدَّ إِلَيْكُمْ الْأَمْرُ) در واقع اقامه حکومت اهل بیت در آخرالزمان است.

نقشه حمله به تهران؟

البته خسف ری در این حدیث به معنای زلزله، احتمال ضعیفی است؛ زیرا در ادامه حدیث بیان شده است که حوادثی در تهران به دلیل اختلاف شمشیرها (کنایه از جنگ دو طرف مقابل) رخ خواهد داد:

فَأَمَّا الرَّيُّ فَوَيْلٌ لَهُ مِنْ جَنَاحَيْهِ ... قِيلَ وَ مَا جَنَاحَاهُ قَالَ أَحَدُهُمَا بَغْدَادُ وَ الْآخَرُ خُرَّاسَانُ فَإِنَّهُ تَلْتَقِي فِيهِ سَيْوْفُ الْخُرَّاسَانِيِّينَ وَ سَيْوْفُ الْبَغْدَادِيِّينَ.^۱

که به نظر می‌رسد با توجه به اینکه در هنگام حمله سفیانی به عراق، حکومت مرکزی بغداد از اختیار شیعیان خارج می‌شود، «سیوف بغداد» اشاره به حضور پایگاه‌های نظامیان دشمن در خاک عراق و قصد حمله به ایران از این پایگاه‌ها در عراق باشد. البته طبق این گزاره حدیثی، مناطق شمال تهران، بیشتر در معرض خطر و آسیب دشمن قرار دارد و مناطق جنوب تهران، کم‌خطرتر معرفی شده است:

فَأَمَّا الرَّيُّ فَوَيْلٌ لَهُ مِنْ جَنَاحَيْهِ وَ إِنَّ الْأَمْنَ فِيهِ مِنْ جِهَةٍ قُمْ.^۲

در تقویت این دیدگاه، حدیث کمال‌الدین نیز موید همین مطلب است:

يَخْرُجُ السَّرُوسِيُّ مِنْ أَرْمِينِيَّةَ وَ آذَرَبَيْجَانَ يَرِيدُ وَرَاءَ الرَّيِّ الْجَبَلَ الْأَسْوَدَ الْمُتَلَّاحِمَ بِالْجَبَلِ الْأَحْمَرِ لَزِيْقَ جَبَلِ طَالِقَانَ.^۳

سروسی از مناطقی در ارمنستان و آذربایجان خروج می‌کند و در تدارک نقشه حمله به مناطقی در ایران، کوه سیاه در پشت منطقه ری (تهران) که به کوه سرخ چسبیده و به کوه‌های طالقان متصل است؛ این حدیث به قصد و نقشه حمله دشمن از پایگاه‌های خود در کشورهای شمال غربی ایران (ارمنستان و آذربایجان) برای حمله به ایران بویژه مناطق نزدیک به کوه‌های سیاه (کوه‌های تُوچال)^۴ که در شمال تهران واقع است، اشاره دارد.

۱. مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۲.

۲. البته در ادامه حدیث، به انتقال برخی از مردم تهران به شهرهای قم و اردهان نیز اشاره شده است: فَيَأْوِي أَهْلُ الرَّيِّ إِلَى قُمْ ... ثُمَّ يَنْتَقِلُونَ مِنْهُ إِلَى مَوْضِعٍ يُقَالُ لَهُ أَرْدِسْتَان (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۲).

۳. صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۶۹.

۴. «پشت ری» مراد از آن، بخش شمالی از شهر تهران می‌باشد، و «کوه سیاه» همان کوه تُوچال است که از دور سیاه دیده می‌شود و بر تجریش و پیرامونش در شمال شهر تهران سایه می‌افکند و در بخش جنوبی کوه‌های آلْبُزُر مرکزی، جای دارد، و «کوه سرخ» همان کوه است که در بخش کرج، میان کوه سیاه در تهران و کوه‌های طالقان، جای دارد و مقصود از «طالقان» در این حدیث، سرزمینی است میان کرج و قزوین که در شمال غربی تهران قرار دارد.

۵. کوه‌های تُوچال واقع در شمال تهران که از دور نیز به رنگ سیاه دیده می‌شود.

حمله نظامی به ایران؟

سپس در ادامه استدلال خویش مبنی بر حمله به ایران از سمت آذربایجان، به احادیث اهل سنت مبنی بر حمله هوایی یا زمینی به برخی مناطق ایران نیز استناد می‌جویند. زیرا در منابع مکتب خلفاء، از جنگ و درگیری نظامی بین سپاه ایران با لشکر سفیانی - که توسط مثلث شوم «غربی، عبری، عربی» حمایت می‌شود- در مناطق مختلف ایران از جمله منطقه ری (تهران) سخن به میان آمده است:

یث السفیانی جنوده فی الآفاق بعد دخوله الکوفة و بغداد ... فتقبل أهل المشرق علیهم قتلا ... فتكون لهم ... وقعة بدولاب

الری.^۱

حمله نظامیان دشمن به به برخی مناطق ایران از طریق مرزهای مشترک با عراق و زمان حمله نیز بعد از اشغال بغداد و کوفه عنوان شده است؛ لکن واقعیت این است، حضور نظامیان خارجی دشمن از جمله نظامیان سفیانی در خاک ایران قبل از ظهور فقط در منابع اهل سنت ذکر شده و به اصطلاح از «انفرادات اهل سنت» است^۲ و شهادی برای آن در منابع معتبر شیعی نیست و از اینرو برخی از محققین بر این عقیده‌اند که اینگونه احادیث از جعلیات مکتب خلفاء است^۳؛ زیرا در منابع معتبر شیعی، اشاره‌ای صریح به حمله زمینی نظامیان غربی و دشمن خارجی و درگیری نظامی در خاک ایران نشده است و قرینه‌ای بر تلقی به قبول و اخذ آن نیز وجود ندارد.

تورید جدی در ادله حمله به ایران

البته ناگفته نماند برخی افراد و جریان‌ها از نگاه آکادمیک و علمی خارج شده و صرفا با اغراض سیاسی^۴ در جهت مخالفت با انقلاب زمینه‌ساز و تضعیف جبهه حق، در ترویج دیدگاه سوم می‌کوشند، در حالیکه می‌بایست طرح این نوع دیدگاه‌های متفاوت در کرسی‌های نظریه‌پردازی و با حضور صاحب‌نظران و نیز رعایت موازین علمی و اجتهادی، به بحث و گفتگو و تبادل آراء و اندیشه در این باره پرداخت.

۱. ابن حماد، الفتن، ص ۲۱۸. ابن حجر، القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، ص ۱۳۶. سیوطی، العرف الوردی، ص ۱۲۶. حنبلی، فرائد فوائد الفکر فی الامام المنتظر، ص ۳۱۶.

۲. مراجعه کنید به: نحوه مواجهه با میراث روایی اهل سنت

۳. کورانی، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدی، ص ۴۵۹ و ۵۰۰.

۴. تعدادی انگشت‌شمار کانال تلگرامی و پیج اینستاگرام در فضای مجازی با طراحی پیچیده در چند لایه امنیتی، که از آن سوی مرزها هدایت و حمایت می‌شوند، با هدف مبارزه با انقلاب شیعی امام خمینی، در حال ترویج دیدگاه سوم هستند و همین موضوع، باعث شده آن دسته از اندیشمندان که با رعایت موازین علمی در صدد تنویر افکار عمومی هستند با شانتاژ رسانه‌ای این دسته افراد، با محدودیت در بیان دیدگاه‌های خویش در جهت مقابله با دسیسه‌های دشمنان مواجه شوند.

از نظرگاه علمی، دیدگاه سوم با ابهام و تردید جدی روبرو است. صرفنظر از اینکه گزارش کمال الدین درباره دیدار ابن مهزیار با امام عصر، با ابهاماتی سندی و محتوایی فراوانی روبرو است؛^۱ ایران قبل ظهور، دارای قدرت نظامی ویژه‌ای است؛^۲ و از سلاح‌های پیشرفته در دکتترین «توازن رعب» بهره می‌برند.^۳ عبارت «أَخْلَسَ يَبُوتُكُمْ» قرینه بر این است که منظور از آذربایجان، آن مناطقی از سرزمین «آذربایجان تاریخی» که خارج از مرزهای ایران قرار دارد، مقصود است و الا چگونه امکان دارد امام معصوم، شیعیان را در برابر جنگی که در خاک و وطن‌شان رخ می‌دهد، دعوت به عدم مقابله نظامی نماید در حالیکه دفاع در برابر تجاوز دشمن، واجب شرعی است. و بر فرض محال، مقصود از آذربایجان، آذربایجان ایران و مقصود از نار آذربایجان، حمله به ایران باشد.

ضمن اینکه این نظریه با ادامه حدیث یعنی عبارت «وَالْبُدُوءُ مَا أَلْبَدْنَا» نیز سازگاری ندارد، زیرا چگونه امکان دارد امام معصوم به شیعیان دستور می‌دهد که در خانه‌های‌شان باشند و هیچ تحرکی نداشته باشند تا مورد کشتار و قتل و غارت دشمن واقع شوند؟؛ به عنوان مثال، معصومین بعد از وقوع فتنه در شام بویژه بعد از وقوع اولین نشانه حتمی (سفیانی) با ذکر نقشه دشمن در حمله به سوریه، عراق و عربستان، آنگاه ضمن بیان جزئیات، شیعیان و غیر نظامیان را از حضور در مناطق ناپایدار جنگی همچون مناطق قرقیسیاء در شرق سوریه بر حذر داشته‌اند و به طور ویژه به شیعیان کوفه و نجف در عراق نیز توصیه می‌کنند که برای در امان ماندن از حملات نظامی دشمن، در مناطق جنوبی پایین‌تر از فرات در عراق مستقر شوند. و نیز به شیعیان حجاز (عربستان) نیز توصیه شده است به دلیل حمله سفیانی به مدینه و قتل و کشتار در این شهر، غیرنظامیان در شهر مکه ساکن شوند. زیرا به معجزه الهی، لشکر سفیانی قبل از رسیدن به مکه در منطقه بیداء، خسف و نابود خواهد شد.

إِذَا سَمِعْتُمْ بِاخْتِلَافِ الشَّامِ فِيمَا بَيْنَهُمْ فَالْهَرَبَ مِنَ الشَّامِ فَإِنَّ الْقَتْلَ بِهَا وَ الْفِتْنَةَ قُلْتُ إِلَى أَيِّ الْبِلَادِ فَقَالَ إِلَى مَكَّةَ فَإِنَّهَا خَيْرُ بِلَادٍ يَهْرُبُ النَّاسُ إِلَيْهَا قُلْتُ فَالْكُوفَةُ قَالَ ... أَحْسَنُهُمْ حَالًا مَنْ يَعْبُرُ الْفُرَاتَ وَ مَنْ لَا يَكُونُ شَاهِدًا بِهَا قَالَ فَمَا تَرَى فِي سُكَّانِ سَوَادِهَا فَقَالَ بِيَدِهِ يَعْنِي لَا ثُمَّ قَالَ الْخُرُوجُ مِنْهَا خَيْرٌ مِنَ الْمَقَامِ.^۴

۱. کورانی، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدی، ص ۶۰۷-۶۰۹. کورانی، فرهنگ موضوعی احادیث امام مهدی، ص ۸۰۱-۸۰۲.

۲. امام مهدی با کمک سلاح و قدرت نظامی زمینه‌سازان، جمعیت کثیری از دشمنان اسلام را شکست خواهند داد: مَهْدِيًّا مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ يَحْرُقُهُمْ بِسُيُوفِ أَوْلِيَائِهِ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ (بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۳۶۸)؛ لازم به ذکر است قوم زمینه‌ساز با دشمنان امام عصر می‌جنگند و کشته‌های آنان شهید محسوب می‌شود و سرانجام انقلاب‌شان به حکومت جهانی امام مهدی متصل خواهد شد: كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ ... وَصَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ ... وَ لَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ قَتَلَاهُمْ شُهَدَاءَ (نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۳)؛ سند حدیث نیز معتبر است (ری‌شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۶، ص ۱۳).

۳. زمینه‌سازان ایرانی از سلاح‌های پیشرفته در جنگ با دشمن بهره می‌برند: لَهُ كَنْزٌ بِالطَّلَاقَانِ ... وَ رِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ ... لَوْ حَمَلُوا عَلَى الْجِبَالِ لَأَزَالُوهَا لَا يَقْصِدُونَ بِرَايَتِهِمْ بَلَدَةَ الْآخَرِ بُوَهَا... وَ يَحْفَوْنَ بِهِ يَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ ... بِهِمْ يَنْصُرُ اللَّهُ إِمَامَ الْحَقِّ (نبیلی نجفی، سرور اهل ایمان، ص ۹۷. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸). شگفتی و طنز اینجا است مخالفین انقلاب زمینه‌ساز ظهور، در حالیکه برای منکوب کردن انقلاب به حدیث کمال الدین (گزاره حدیثی نقشه دشمن برای حمله به کوه‌های نزدیک طالقان در ایران) تمسک می‌کنند در حالیکه در جای دیگر، طالقان را در کشوری غیر از ایران معرفی می‌کنند.

۴. نبیلی نجفی، سرور اهل ایمان، ص ۴۵. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۷۱.

حال چگونه ممکن است، امام معصوم، حمله به آذربایجان ایران از سوی دشمن را بیان نمایند اما در عین حال شیعیان را به حضور در وطن و محل زندگی خویش دستور دهند و حتی امر نمایند که در خانه‌هایشان باشند (فَكُونُوا أَخْلَاسَ بُيُوتِكُمْ) تا مورد کشتار و قتل و غارت واقع شوند؟ در سستی دیدگاه سوم، این بیان کافی است و البته به تفصیل در این باره در دیدگاه اول نیز گفتگو شده است. بنابراین به قرینه اینکه امام معصوم، شیعه را به عدم مداخله نظامی در جنگ آذربایجان فراخواندند، بیانگر این است این جنگ، در مناطقی خارج از محدوده جغرافیای «حکومت شیعه زمینه‌ساز» رخ خواهد داد.

و حتی بر فرض صحت ادعای دیدگاه سوم «نار آذربایجان»، مقصود آن وقوع حمله به ایران در همان روزهای آغازین ایجاد شعله‌های آتش آذربایجان نیست بلکه بیانگر این است عامل خارجی که بر ایران تاثیر منفی خواهد گذاشت، جنگ ناحیه آذربایجان در منطقه قفقاز است.

ضمن اینکه مدافعان این نظریه باید پاسخ دهند چگونه است در گزاره «آتش آذربایجان» سخن از اجرای قطعی عملیات و حمله دشمن است (لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ) در حالیکه در احادیث دیگر صرفاً به نقشه دشمن به منظور حمله به مناطقی در ایران اشاره شده و سپس به جنگ بین دشمنان با یکدیگر و آنگاه از اجرایی نشدن نقشه حمله، سخن به میان آمده است؟

بنابراین دیدگاه دوم، از شواهد متقن و محکم‌تری برخوردار است بدین معنا که آتش آذربایجان با جنگ جهانی قبل از ظهور مرتبط است و همانطور که بیان گردید منظور از آذربایجان، مناطقی خارج از ایران، مقصود است^۱ و در واقع اشاره به فتنه‌هایی دارد که از سمت آذربایجان مانند آتش به سایر نقاط نیز شعله‌ور می‌شود و به قرینه «لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ» بتدریج گسترش می‌یابد؛^۲ و به قرینه «أَخْلَاسَ بُيُوتِكُمْ»، آتش آذربایجان در زمره حوادث ایران محسوب نمی‌شود بلکه مربوط به شراره‌های جنگ جهانی قبل از ظهور خواهد بود و به شیعیان توصیه شده است نقش «بی‌طرفی» را در پیش بگیرند.^۳

۱. اینکه امام معصوم، شیعه را به عدم مداخله نظامی در جنگ منطقه آذربایجان فراخواندند (فَكُونُوا أَخْلَاسَ بُيُوتِكُمْ)، بیانگر این است که این جنگ، ابتدا در مناطقی خارج از محدوده جغرافیای «حکومت شیعه زمینه‌ساز» رخ خواهد داد.

۲. «لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ» دلالت بر این دارد که جنگ در ناحیه آذربایجان، تداوم و گسترش می‌یابد و هیچ حدّ و مرزی برای آن وجود ندارد. لازم به ذکر است این عبارت در تراث حدیثی فقط برای خشم و قدرت الهی استعمال شده است: بِقُوَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ (طوسی، مصباح المتعبد، ج ۲، ص ۵۷۲)؛ عِنْدَ غَضَبِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۷۴). و حاکی از این است که این آتش هیچ چیز جلودار آن نیست.

۳. علی الصغیر، اسئله مهدویة، سوال ۱۴۱۶ (لینک). نار آذربایجان بین المخزون الروائی و مجریات الواقع المعاصر، یوتیوب (لینک).

در کتاب الغیبة نعمانی به نقل از «کعب الأخبار»، به جنگ ولد عباس با جوانان ارمنی و سپس آذربایجان اشاره شده است:

حَرْبٌ وَلِدِ الْعَبَّاسِ مَعَ فِتْيَانِ أَرْمِينِيَّةٍ وَ آذَرَبَيْجَانٍ تِلْكَ حَرْبٌ يُقْتَلُ فِيهَا الْوَفُّ وَ الْوَفُّ كُلُّ يَقْبِضُ عَلَى سَيْفٍ مُحَلَّى تَخْفِقُ عَلَيْهِ رَايَاتٌ سَوْدٌ تِلْكَ حَرْبٌ يَشُوبُهَا (يُسْتَبَشَرُ فِيهَا) الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ وَ الطَّاعُونَ الْأَغْبَرُ (الْأَكْبَرُ).^۱

جنگی میان فرزندان عباس (کنایه از اهل سنت تکفیری) با جوانان ارمنستان و آذربایجان رخ خواهد داد؛ چنان جنگی که هزاران و هزاران نفر در آن کشته می‌شوند، هر جنگجو شمشیری زیور یافته به دست می‌گیرد (کنایه از) استفاده از سلاح‌های پیشرفته و پرچم‌های سیاه بر آن به اهتزاز در می‌آید، آن جنگی است که به مرگ سرخ و طاعون بسیار خطرناک نیز آمیخته است و منتهی می‌شود.

البته همه یا بخشی از محتوای آن در کتاب الفضائل^۲، تفسیر البرهان^۳، اثبات الهداة^۴ و نوادر الاخبار^۵ نیز ذکر شده است.^۶

گزارش فوق در واقع، فقره‌ای از مجموعه عباراتی است که از «کعب الاخبار» نقل شده و در «کتب شیعی» انعکاس یافته و در ضمن بخشی از «اعترافات»^۷ وی در فضیلت و برتری امام علی و ظهور منجی ادیان، در ادامه به «نشانه‌های ظهور» در آخرالزمان نیز پرداخته شده است. اما علاوه بر اینکه سند این گزارش به «کعب الاخبار» منتهی می‌شود، مشکل دیگر این است که نمی‌توان به آن، اصطلاح «حدیث» اطلاق نمود. زیرا کعب الاخبار، در زمان پیامبر ایمان نیاورد^۸ و این گزارش را از کسی نیز نقل نکرده که به معصوم منتهی شود. البته بنابر نقل‌های تاریخی، کعب الاخبار^۱ بعد از اینکه به ظاهر اسلام

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۱۴۷. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۶.

۲. ابن عقده کوفی، فضائل أمير المؤمنين، ص ۱۰۴.

۳. بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۳۹ و ۱۳۳.

۴. حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۵۴.

۵. فیض کاشانی، نوادر الأخبار، ص ۲۰۹.

۶. کورانی، معجم الأحادیث الإمام المهدی، ج ۱، ص ۳۳۳.

۷. البته کعب الاخبار، اعترافات دیگری نیز در حقانیت امام علی و فضیلت اهل بیت داشته است از جمله: اعتراف به تعداد دوازده امام در امت اسلام (صدوق، عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۵۱)؛ اعتراف به افضلیت و جانشینی امام علی بعد از پیامبر (حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۳، ص ۱۷۵)؛ اعتراف به شهادت امام حسین توسط اشقیاء (صدوق، الأمالی، ص ۱۴۰) و اعتراف به منجی ادیان مهدی موعود (نعمانی، الغیبة، ص ۱۴۶).

۸. ری شهری، شناخت‌نامه حدیث، ج ۳، ص ۱۴۴-۱۴۶.

می‌آورد، اخبار «ملاحم و فتن آخرالزمان» را از کتاب «انبیاء پیشین» برای مسلمانان بیان می‌کرده است^۲ اما کعب الاحبار در این نقل قول‌ها نیز صداقت کامل نداشته و حق و باطل را با هم می‌آمیخته^۳ و از اینرو تشخیص سره از ناسره در این نقل قول‌ها از کتب انبیاء پیشین که به معصوم نیز منتهی نمی‌شود، بسیار سخت است.

البته به صرف این که در سند گزارش، شخصی از پیروان مکتب خلفاء و از راویان اهل سنت، قرار گرفته است، دلالت بر جعلی بودن همه محتوای آن ندارد؛ کما این که اهل بیت نیز در سخنان خویش بر این «مبنا» تاکید فرموده‌اند^۴ و معیار پذیرش، موافقت با عقاید حقه شیعی هرچند از زبان راویان عامه و مخالفین -البته به عنوان مؤید در کنار احادیث صحیح و معتبر شیعی- می‌باشد و نمونه‌های مختلفی از آن را می‌توان در میراث حدیثی بیان نمود؛ بنابراین مانور بر روی این نوع گزارش‌ها و انتساب آن به معصوم، صحیح نیست و صرفاً زمانی قابل استناد است که شاهی از آن در منابع شیعی باشد و یا در واقعیت محقق شود.^۵

ولد عباس: مخالف مذهب شیعه

ثابت و یقینی است که شیعه در جنگ ناحیه آذربایجان، نقش بی‌طرف را ایفا می‌کند و شرکت ندارد (فَكُونُوا أَحْلَاسَ يُبُوتِكُمْ). حال افرادی که افکار آلوده سیاسی خویش را مباحث علمی می‌آمیزند، چگونه مدعی هستند «ولد عباس» بر حکومت شیعی ایران قبل ظهور منطبق است و آیا شیعه ایران با ارمنی‌ها در جنگ ناحیه آذربایجان خواهند جنگید (حَزْبِ وَلَدِ الْعَبَّاسِ مَعَ فِتْيَانِ أَرْمِينِيَّةٍ)؟ خیر^۶. زیرا به قرینه اینکه شیعه در این جنگ شرکت نمی‌کند.

«بنی عباس» مذکور در احادیث مهدویت، کنایه از حکومت‌های عربی مخالف منهج اهل بیت^۷ و «ولد عباس» نیز اشاره به پرورش‌یافتگان حکومت‌های عربی مخالف شیعه و مکتب اهل سنت تکفیری (که حتی در رنگ سیاه لباس و پوشش نیز خود را به بنی عباس شبیه کردند) و متعلق به «جریان ابقع»^۸ مستقر در

۱. أخبار مفرد آن حِزْب، کلمه‌ای است عبری به معنای روحانی یهودی (ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۱۵۷).

۲. كَعْبُ الْأَخْبَارِ حِينَ أَسْلَمَ فِي أَيَّامِ خِلَافَةِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ وَ جَعَلَ النَّاسُ يَسْأَلُونَهُ عَنِ الْمَلَا حِمِ الَّتِي تَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ فَصَارَ كَعْبٌ يُخْبِرُهُمْ بِأَنْوَاعِ الْأَخْبَارِ وَالْمَلَا حِمِ وَالْفِتَنِ الَّتِي تَظْهَرُ فِي الْعَالَمِ (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۳۱۵).

۳. کورانی، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدی، ص ۵۹۱.

۴. لَا تُكَذِّبُوا الْحَدِيثَ إِذَا أَنَا كُمْ بِهِ مُرْجِيٌّ وَلَا قَدَرِي وَلَا حَزُورِي يُنْسَبُهُ إِلَيْنَا فَإِنَّكُمْ لَا تَذُرُونَ لَعَلَّهُ شَيْءٌ مِنَ الْحَقِّ فَيَكْذِبُ اللَّهُ فَوْقَ عَرْشِهِ (برقی، المحاسن، ص ۲۳۰).

۵. برای نمونه: نقل حدیث توسط دشمن اهل بیت «محمد بن الجهم» در مدح و شان فضائل اهل بیت و اقرار عقاید حقه شیعه از زبان مخالفان (ر.ک: صدوق، عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۰۴).

۶. مراجعه کنید به: نحوه مواجهه با میراث روایی اهل سنت

۷. بر مغز و افکار این جریان‌ها و افراد، مهر زده شده است و با مشاهده حقیقت اما همچنان بر مسیر ضلالت و گمراهی اصرار دارند.

۸. قبانچی، موجز دائرة المعارف الغیبة، ص ۱۳ و ۱۷۷.

فتنه شام قبل ظهور است^۲ و نشانگر این است که یکی از طرف‌های جنگ با نظامیان ارمنستان، گروه‌های سلفی مخالف شیعه خواهند بود. لازم به ذکر است، زبان روایات در بیان اسامی شخصیت‌های ظهور، نمادین، رمزآلود، کنایه‌ای و حاکی از حقایق و واقعیاتی است.^۳



ولد عباس: تروریست‌های تکفیری سیاه‌پوش

جنگ ولد عباس با ارمنی و آذربایجان، تلمیحی است به اینکه بعد از این که جماعت تکفیری سلفی، وارد معرکه جنگ در قفقاز شدند، ابتدا با ارمنی‌ها و سپس با خود آذربایجانی‌ها خواهند جنگید. و از آنجا که گروه‌های تکفیری مخالف شیعه، تمرکز نظامی در فتنه شام، دارند؛ بنابراین حضور جماعت تکفیری مخالف شیعه (ولد عباس) در منطقه قفقاز، بیانگر این است که با انتقال آنان از فتنه شام به معرکه جنگ ناحیه آذربایجان، «جنگ‌های نیابتی» در این سرزمین نیز شکل خواهد گرفت. در منازعه آذربایجان، ترک‌ها در طرف مقابل رومی‌ها قرار خواهند گرفت. زیرا علاوه بر اینکه از اختلاف ترک‌ها و رومی‌ها^۴ به دلیل تضاد منافع سخن به میان آمده است؛ جریان ولد عباس که مورد حمایت ترک‌ها است، با سفیانی مورد حمایت غربی‌ها نیز در شرق سوریه خواهند جنگید.

۱. جبهه عربی معارض و تشکلهای نظامی مرتبط با عرب‌ها و رومی‌ها در فتنه شام را جریان ابقع گویند. الا بقع: العرب تنكح إماء الروم فيستعمل على الشام أولادهم و هم بين سواد العرب و بياض الروم (ابن اثیر، النهاية فی غریب الحديث و الأثر، ج ۱، ص ۱۴۶).

۲. إِنَّ لَوْلِدِ الْعَبَّاسِ وَ الْمَزَوَانِيِّ لَوْقَعَهُ بِقَرْقِيسَاءَ (نعمانی، الغيبة، ص ۳۰۳). قرقیسیاء منطقه نزدیکی دیرالزور در شرق سوریه است (حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۲۸) که قبل ظهور، صحنه جنگ بین دشمنان اهل بیت خواهد بود و البته پرچم‌های هدایت (پرچم خراسانی و یمانی) در این جنگ حضور ندارند بلکه جبارین و ستمگران در این جنگ شرکت می‌کنند: مَأْدَبَةٌ بِقَرْقِيسَاءَ ... هَلُمُّوا إِلَى الشَّيْبِ مِنْ لُحُومِ الْجَبَّارِينَ (نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۸) که البته در ادامه سفیانی نیز در این جنگ در شرق سوریه شرکت می‌کند: السُّفْيَانِيُّ ... بِمَرْجِئِشُهُ بِقَرْقِيسَاءَ فَيَقْتَتِلُونَ بِهَا فَيُقْتَلُ بِهَا مِنَ الْجَبَّارِينَ مِائَةُ أَلْفٍ (نعمانی، الغيبة، ص ۲۸۰).

۳. الهی‌نژاد، نمادگرایی در نشانه‌های ظهور، فصلنامه مشرق موعود، ش ۳۸، ص ۲۵.

۴. يَتَخَالَفُ التُّرْكُ وَ الرُّومُ وَ تَكْثُرُ الْحُرُوبُ فِي الْأَرْضِ (طوسی، الغيبة، ص ۴۶۳).

ائتلاف نظامی «اخوان الترمک» و «ولد عباس» در جنگ آذربایجان

سوالی که مطرح می‌شود «ولد عباس» مستقر در فتنه شام، چگونه در منطقه آذربایجان با جوانان ارمنی به جنگ خواهند پرداخت؟^۱ با تشکیل «خانواده حدیثی» و به قرینه اینکه از دسیسه‌چینی ترک‌ها در خرابی آذربایجان، سخن به میان آمده است، احتمال دارد گروه‌های تکفیری مخالف شیعه توسط ترک‌ها از منطقه شام به صحنه جنگ آذربایجان منتقل شوند. و یکی از دلایل عمده خرابی منطقه آذربایجان در نتیجه ورود جماعت سلفی به این مناطق رقم خواهد خورد. زیرا در روایات، برای ترک‌ها دو مرحله نظامی مخرب، مطرح شده است، نقش‌آفرینی نظامی در منطقه آذربایجان و نیز گسیل قدرت نظامی به شرق سوریه:

لِلتُّرْكِ خَرْجَتَانِ: خَرْجَةٌ مِنْهَا خَرَابُ أَذْرَبِيجَانَ، وَ خَرْجَةٌ يَخْرُجُونَ فِي الْجَزِيرَةِ؛ لِلتُّرْكِ خَرْجَتَانِ: إِحْدَاهُمَا يُخْرَبُونَ أَذْرَبِيجَانَ، وَ الثَّانِيَةُ يَشْرَعُونَ مِنْهَا عَلَى شَطِّ الْفُرَاتِ.^۲

به قرینه اینکه «ترک‌ها» وارد جزیره^۴ در مناطق محل عبور فرات می‌شوند، پس به یقین، مقصود «اخوان الترمک» نقش‌آفرین در منطقه شام است که در مراحل پایانی فتنه شام^۵ به جزیره الشام (مناطق مابین رقه و دیرالزور) در شرق سوریه^۶ حمله نظامی می‌کنند:

تُخَسَفُ قَرْيَةٌ مِنْ قُرَى الشَّامِ ... وَ سَيَقْبِلُ إِخْوَانُ التُّرْكِ حَتَّى يَنْزِلُوا الْجَزِيرَةَ.^۷

جنگ ایران و ترکیه در آخرالزمان؟

نکته مهم و شایان ذکر اینکه هرچند حضور جماعت تکفیری سلفی در مرزهای کیان شیعه، خطرساز و تهدید امنیت ملی، تلقی می‌شود لکن با تاکید امام معصوم بر عدم مداخله نظامی مستقیم با طرف‌های درگیر در جنگ ناحیه آذربایجان (فَكُونُوا أَخْلَاسَ يُؤْتِكُمْ)، از اینرو با فتنه‌گری‌های «اخوان الترمک»، نباید

۱. حَزْبُ وُلْدِ الْعَبَّاسِ مَعَ فِتْنَانِ أَرْمِينِيَّةٍ (نعمانی، الغيبة، ص ۱۴۷. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۶).

۲. لِلتُّرْكِ خَرْجَتَانِ: خَرْجَةٌ مِنْهَا خَرَابُ أَذْرَبِيجَانَ، وَ خَرْجَةٌ يَخْرُجُونَ فِي الْجَزِيرَةِ (ابن طاووس، الملاحم و الفتن، ص ۱۹۱).

۳. ابن طاووس، الملاحم و الفتن، ص ۱۹۵.

۴. هرگاه «جزیره» به صورت مطلق به کار رود، مقصود مناطق مابین دجله و فرات در شرق سوریه و غرب عراق است: إِذَا أَطْلَقْتَ الْجَزِيرَةَ فِي الْحَدِيثِ وَ لَمْ تَضِفْ إِلَى الْعَرَبِ فَإِنَّمَا يَرَادُ بِهَا مَا بَيْنَ دَجْلَةٍ وَ الْفُرَاتِ (ابن اثیر، النهاية فی غریب الحديث و الأثر، ج ۱، ص ۲۶۸؛ الجزیره: وَ هُوَ مَا بَيْنَ دَجْلَةٍ وَ الْفُرَاتِ (ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۱۳۴).

۵. برای آگاهی بیشتر: فتنه شام (سوریه) قبل از ظهور، رمزگشایی از بازیگران داخلی و بین‌المللی جنگ سوریه (لینک).

۶. مناطق شرق سوریه را جزیره الشام گویند: أَرْضُ الْجَزِيرَةِ ... الرِّقَّةُ وَ الرُّهَا وَ قَرَقِيسِيَا (ابن مزاحم، وقعة صفین، ص ۱۲).

۷. نعمانی، الغيبة، ص ۲۸۰. مفید، الاختصاص، ص ۲۵۶. طوسی، الغيبة، ص ۴۴۲. به سندهای گوناگون که «سه سند» آن معتبر است (ری‌شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۷، ص ۱۲۵).

مواجهه مستقیم نظامی داشت تا سرانجام با دست خویش، خود را در مهلکه شرق سوریه (قرقیسیا) در مواجهه با دشمنان شیعه هلاک نمایند و در واقع اخوان التترک، سپر بلای شیعه در تقابل نظامی با دشمن اصلی، سفیانی مورد حمایت غربی‌ها خواهند شد.

تهدید اردوغان رهبر ترکیه به مشارکت در تجزیه ایران

توضیح اینکه: سفیانی بعد از تسلط بر الکور الخمس شام^۱ و تثبیت قدرت در دمشق^۲، آنگاه در مسیر حمله به عراق^۳ ناگزیر در منطقه قرقیسیا دیرالزور در شرق سوریه^۴ با «اخوان التترک» که از قبل تا «جزیره الشام» پیشروی نظامی داشته‌اند^۵ و نیز با بنی قیس همپیمان ترک‌ها در قرقیسیا در شرق سوریه وارد جنگ خواهد شد^۶؛ بنی قیس، ساکنان اهل سنت شرق سوریه هستند که البته امتداد قومیتی آن در مناطق غرب عراق تا بغداد نیز وجود دارد^۷ و از فتنه‌گری آنان و جنگ در مناطق بنی قیس قبل از ظهور نیز در کتب معتبر سخن به میان آمده است^۸؛ لازم به ذکر است از سفیانی به عنوان نعمت و عذاب برای دشمنان شیعه، نام برده شده است (السُّفْيَانِيُّ نِعْمَةٌ لَّكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ) و دشمنان مشغول جنگ با یکدیگر خواهند شد (أَعْدَاءُكُمْ يَقْتَتِلُونَ فِي مَعَاصِي اللَّهِ وَ يَقْتُلُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا) که عبارة اخرى «جنگ جبارین» با یکدیگر است در حالیکه شیعه از مناطق جنگ به دور است (وَأَنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ آمِنُونَ فِي عَزْلَةٍ عَنْهُمْ)^۹.

دیپلماسی مواجهه با فتنه «اخوان التترک» در جغرافیای ظهور

بنابراین دیپلماسی حکومت زمینه‌ساز در مواجهه با فتنه‌انگیزی «اخوان التترک»، باید مبتنی بر خویشتنداری و در عین حال پاسداری از مرزهای جغرافیای کبان شیعه باشد؛ زیرا هرچند در «ابتدا» فتنه شام، ترک‌ها با رومی‌ها، اشتراک منافع دارند اما در نهایت بعد از وقوع حوادثی باهم اختلاف شدید پیدا خواهند کرد به گونه‌ای که منجر به جنگ در برخی مناطق نیز خواهد شد:

۱. السُّفْيَانِيُّ يَمْلِكُ عَلَى الْكُورِ الْخَمْسِ (طوسی، الغیبة، ص ۴۴۹).

۲. يَسْتَوِي عَلَى مَنَبَرٍ دِمَشْقَ (نعمانی، الغیبة، ص ۳۰۶. و مشابه آن: صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۱).

۳. السُّفْيَانِيُّ... الْإِقْبَالُ نَحْوَ الْعِرَاقِ (نعمانی، الغیبة، ص ۲۸۰).

۴. يَمُرُّ حَيْشُهُ بِقَرْقِيسِيَاءَ (نعمانی، الغیبة، ص ۲۸۰).

۵. يَسْتَقْبِلُ إِخْوَانُ التُّرْكِ حَتَّى يَنْزِلُوا الْجَزِيرَةَ (مفید، الاختصاص، ص ۲۵۶).

۶. قَرْقِيسِيَاءَ ... يَهْلِكُ فِيهَا قَيْسٌ وَ لَا يَدْعَى لَهَا دَاعِيَةً ... وَ يَنَادِي مُنَادٍ هَلُمُّوا إِلَى لُحُومِ الْجَبَّارِينَ (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۹۵).

۷. ربیعی، سلسله القبائل العربیه، ج ۳، ص ۱۱.

۸. قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ تَحَرَّكَ حَزْبُ قَيْسٍ (نعمانی، الغیبة، ص ۲۷۷).

۹. نعمانی، الغیبة، ص ۳۰۰.

اسْتَشَارَتْ عَلَيْكُمْ الرُّومُ وَالتُّرْكُ وَ جُهِّزَتِ الْجُيُوشُ ... وَ يَتَخَالَفُ التُّرْكُ وَ الرُّومُ وَ تَكْثُرُ الْحُرُوبُ فِي الْأَرْضِ.^۱

زمانی که رومی‌ها و ترک‌ها، غبار فتنه را علیه شما بلند کردند و بر شما بشورند و لشکرها آماده و تجهیز شوند ... آنگاه و ترک‌ها با رومی‌ها اختلاف پیدا می‌کنند و جنگ در نقاط مختلف گسترش پیدا می‌کند.

به نظر می‌رسد بعد از اعلان «مارقة الشام»^۲، به دلیل پیشروی نظامی اخوان التُّرک در شرق سوریه، از علل اصلی اختلاف ترک‌ها با غربی‌ها است. و همانطور که بیان گردید با فتنه‌گری‌های «اخوان التُّرک» در جغرافیای ظهور، نباید مواجهه مستقیم نظامی داشت تا سرانجام با دست خویش خود را در مهلکه شرق سوریه (قرقیسیا) در مواجهه با دشمنان شیعه هلاک نمایند.

رویای اردوغان با اسب عربی

سناریوی جنگ در همسایگان شمالی و تاثیر آن بر امنیت ایران قبل ظهور

هرچند احتمال دارد شیعیان مظلوم منطقه آذربایجان و سایر مناطق، طعمه خواسته‌های نامشروع حاکمان و قدرت‌های استعماری گردند. زیرا نعمت و بلا هرگاه واقع شود، فرقی بین گناهکار و دیگران نیست و در آتش جنگ، تر و خشک باهم می‌سوزد^۳؛ اما وظیفه محور مقاومت شیعی و حکومت زمینه‌ساز باید در حد توان و استطاعت، مانع از قتل و خونریزی گردد و حتی در جهت خنثی کردن فتنه دشمنان، تمهیداتی ولو با کمک غیرمستقیم برای مقابله با اقدامات «دشمن اصلی» صورت گیرد.

۱. طوسی، الغیبة، ص ۴۶۳.

۲. در خلال حوادث فتنه شام و سوریه قبل از ظهور، به واقعه «مارقة الشام» نیز اشاره شده است: مَارِقَةُ تَمْرُقُ مِنْ نَاحِيَةِ التُّرْكِ (نعمانی، الغیبة، ص ۲۸۰)؛ المارقة: الخارجين (ثعالبی، فقه اللغة، ص ۳۵۷) المروق عن الشيء: الخروج منه (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۳۴۱)؛ مَرَقَ السَّهْمُ مِنَ الرِّمِيَةِ: وقتی تیر از کمان خارج می‌شود، به گونه‌ای که دیگر به آن تعلق ندارد را گویند (ابن عباد، المحيط فی اللغة، ج ۵، ص ۴۱۶)؛ الناحية: الجانب (فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۵۹۶) الناحية: الجهة (طریحی، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۳۵۹) من ناحیه التُّرک: ای من جهة التُّرک؛ مارقة الشام تخرج من جهة التُّرک = خروج مارقة از سمت ترک‌ها. بنابراین «مَارِقَةُ تَمْرُقُ مِنْ نَاحِيَةِ التُّرْكِ» یعنی ساکنان ناحیه هم‌مرز با ترک‌ها در منطقه شام خروج خواهند کرد همچون جدا شدن تیر از کمان (مَرَقَ السَّهْمُ مِنَ الرِّمِيَةِ) که گویا دیگر به آن تعلق ندارد.

۳. النَّقْمَةُ إِذَا نَزَلَتْ لَمْ يَكُنْ لَهَا عَمَنْ قَارَبَ الْمُذْنِبَ، دِفَاعُ (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۷۵).



Putin (left), Netanyahu (center) and Erdogan. An unlikely alliance in Nagorno-Karabakh?

World News

Analysis | Netanyahu and Erdogan in Unlikely Alliance Against Iran in Nagorno-Karabakh?

Historical enmity between the Ottomans and the Persians, and rivalry for control in various hot spots across the region, make it difficult for Turkey and Iran to create a lasting partnership



Anshel Pfeffer

Published on 02-10-2020



Follow

اتحاد پنهان اردوغان و نتانياهو عليه ايران در جنگ قره‌باغ (لينک)

و البته اگر بنا بر حمایت نیز باشد^۱، باید در حمایت معنوی از شیعیان و پشتیبانی از جبهه‌ای باشد که در طرف مقابل دشمنان واقعی (مثلاً غربی‌عبری و عربی) قرار گرفته است که البته تشخیص این امر نیز دشوار خواهد بود:

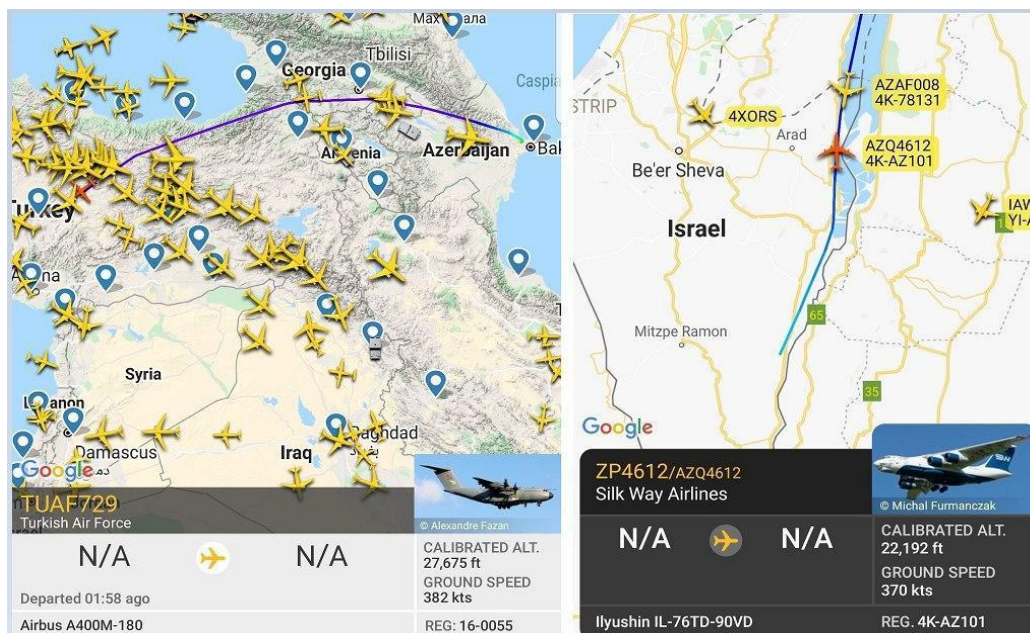
قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ... إِنِّي كُنْتُ أُحْمِلُ السَّلَاحَ إِلَى أَهْلِ الشَّامِ فَأَيُّعُهُ مِنْهُمْ فَلَمَّا أَنْ عَرَفَنِيَ اللَّهُ هَذَا الْأَمْرَ ضَيَّقْتُ بِذَلِكَ وَ قُلْتُ لَا أُحْمِلُ إِلَى أَعْدَاءِ اللَّهِ فَقَالَ اخْمِلْ إِلَيْهِمْ فَإِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ بِهِمْ عَدُوَّنَا وَ عَدُوَّكُمْ يَغْنِي الرُّومَ وَ بَعْضُهُمْ فَإِذَا كَانَتْ الْحَرْبُ بَيْنَنَا فَلَا تَحْمِلُوا.^۲

طبق گزاره حدیثی فوق که در دیگر کتب معتبر شیعی نیز نقل شده است^۳، از امام معصوم درباره فروش سلاح و کمک نظامی به برخی از طرف‌های درگیر در «منطقه شام» که در جبهه حق قرار ندارند اما در حال جنگ با دشمن اصلی شیعه هستند، استفسار می‌شود و امام چنین پاسخ می‌گویند: حتماً سلاح بفروشید و در اختیارشان قرار دهید. زیرا به واسطه این کار، دشمنان شیعه، دفع و نابود می‌شوند اما هرگاه جنگ با شیعه رخ داد، دیگر اقدام به فروش سلاح نکنید.

۱. البته چنین نیست و شیعه در جنگ بین طرف‌های درگیر در منطقه آذربایجان، قطعاً نقش بیطرفی را ایفا می‌کند زیرا به عدم مداخله نظامی مستقیم فراخوانده شده است.

۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۱۲.

۳. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۷۵. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۵۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۰۲.



ترافیک پر تعداد پروازهای ترابری بین کشور آذربایجان با رژیم منحوس اسرائیل و ترکیه

از مجموعه آنچه بیان گردید، آنچه از «آینده پژوهی مهدوی» مستفاد است، درگیری نظامی در آذربایجان، آتش جنگ و فتنه (نار من آذربایجان) قابل سرایت به سایر کشورها که تلاش‌های بین‌المللی برای توقف آن نیز کارساز نخواهد شد (لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ) و نیز به دلیل اینکه ترک‌ها از عوامل اصلی دخیل در تخریب آذربایجان هستند؛^۱ قطعا یکی از دلایل اختلاف غربی‌ها با ترک‌ها^۲ در حوادث منطقه آذربایجان خواهد بود و به قرینه اینکه در گزارش جنگ «ولدعباس با جوانان ارمنی و آذری» نیز از کلیدواژه‌های مشترک با جنگ جهانی (قتل آلاف آلاف، موت احمر و طاعون) استفاده شده است^۳، بیانگر این است آتش جنگ در منطقه آذربایجان در کنار اختلاف ترک‌ها با رومی‌ها و نیز در کنار حوادث فتنه شام در شرق سوریه قرقیسیا، از عوامل شعله‌های شرارت آتش «جنگ جهانی قبل ظهور»^۴ است.^۵

۱. لِلتَّوَكُّلِ خَرْجَتَانِ: خَرْجَةٌ مِنْهَا خَرَابُ آذَرْبَیجَانٍ، وَ خَرْجَةٌ يَخْرُجُونَ فِي الْجَزِيرَةِ (ابن طاووس، الملاحم و الفتن، ص ۱۹۱).

۲. يَتَخَالَفُ التُّرْكُ وَ الرُّومُ وَ تَكْثُرُ الْحُرُوبُ فِي الْأَرْضِ (طوسی، الغيبة، ص ۴۶۳).

۳. حَرْبِ وَلَدِ الْعَبَّاسِ مَعَ فِتْنَانِ آذَرْبَیجَانِ تِلْكَ حَرْبٌ يُقْتَلُ فِيهَا الْوُفُ وَ الْوُفُ كُلُّ يَفِضُ عَلَى سَيْفٍ مُحَلَّى تَخْفُقُ عَلَيْهِ رَايَاتُ سُودَ تِلْكَ حَرْبٌ يَشُوْهُهَا (يُسْتَبَشَّرُ فِيهَا) الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ وَ الطَّاعُونُ (نعمانی، الغيبة، ص ۱۴۷. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۶. حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۵۴).

۴. قُدَّامُ الْقَائِمِ مَوْتَانِ: مَوْتُ أَحْمَرُ وَ مَوْتُ أَيْضُ ... الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ السَّيْفُ وَ الْمَوْتُ الْأَيْضُ الطَّاعُونُ (صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۵)؛ سند حدیث نیز معتبر است (ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۷، ص ۲۸۹).

۵. مراجعه کنید به: جنگ ولد عباس با ارمنی‌ها و شعله‌های جنگ جهانی

ضمن اینکه آتش آذربایجان، طراحی چندبُعدی به منظور عملیات ایدایی، بحران‌سازی و تأثیر منفی بر امنیت مناطق در مرزهای شمالی ایران است؛ بنابراین، استراتژی شیعه و دیپلماسی زمینه‌ساز پیرامون جنگ منطقه آذربایجان در عصر ظهور، باید مبتنی بر «بی‌طرفی» (فَكُونُوا أَخْلَاسَ بِيُوتِكُمْ) و در عین حال راهبرد امنیتی محور مقاومت شیعی، اوج «اقتدار نظامی» (فَاسْعُوا إِلَيْهِ) در دفاع از کیان شیعه در جغرافیای ظهور باشد.

جنگ امام مهدی با «اخوان التُّرک» بعد ظهور

و اما سخن درباره دسیسه‌چینی و فتنه‌انگیزی «اخوان التُّرک» فعال در فتنه شام و دیگر نقاط که کیان شیعه را با تهدید و خطر مواجه می‌کند، است و بیان گردید که نباید رویاروی مستقیم نظامی داشت تا با دشمن اصلی (سفیانی مورد حمایت غربی‌ها) وارد جنگ شوند؛ البته دیری نخواهد پاید بعد از ظهور لشکریان امام مهدی و جبهه حق، فاتحانه وارد «کشور ترک‌ها» خواهند شد:

يُقَاتِلُ السُّفْيَانِيُّ التُّرْكَ ثُمَّ يَكُونُ اسْتِصْالُهُمْ عَلَى يَدَيِ الْمَهْدِيِّ؛ لَوْاءَ يَعْقِدُهُ الْمَهْدِيُّ يُبْعَثُ إِلَى التُّرْكِ فِيَهْزِمُهُمْ.^۲

بدگویی اردوغان ترکیه نسبت به مذهب شیعه

لازم به ذکر است مراد از استیصال ترک‌ها که در مقابل جبهه حق و امام مهدی ایستادگی خواهند کرد، اخوان التُّرک می‌باشد - که نقش فعال در فتنه شام دارند و با رومی‌ها، نیز اختلاف پیدا خواهد کرد - و نه ترک‌های شیعی سایر کشورها. زیرا در احادیث از تحرکات مردمی ترک‌ها در حمایت از آرمان امام مهدی سخن به میان آمده است.^۳

پرونده ویژه: آذربایجان در تاریخ و آینده

آذربایجان، مهد دلیران

آذربایجان، منطقه‌ای عالم‌خیز است و در طول تاریخ تشیع علمای تبریز، خوی، اردبیل، لنکران و بادکوبه بر تارک آسمان شیعه درخشیده‌اند^۴، حتی سلطه ۷۰ ساله کمونیست و سیاست ضد مذهبی که آنان در پیش گرفتند، نتوانست ارادت مردم منطقه به مکتب اهل بیت را زایل کنند. و این مردم عزیز و شریف پایداری خود را در مسیر اسلام عزیز و مقاومت در برابر مستکبران و صهیونیسم و قدرت‌های فاسد نشان داده‌اند. و سخنی به گزافه نیست اگر بگوییم شیعیان آذربایجان، جزو پرچمداران «تشیع علوی، حسینی و مهدوی» در ایران به شمار می‌رفتند و این سرزمین جایگاه خیزش شیعیان دلسوخته اهل بیت در دوره‌های مختلف بوده است:

۱. سیوطی، العرف الوردی، ص ۱۶۸.

۲. مقدسی شافعی، عقد الدرر فی أخبار المنتظر، ص ۲۲۶. حنبلی، فرائد فوائد الفکر فی الإمام المهدی المنتظر، ص ۲۸۷.

۳. ظَهَرَتْ لَوْلَايَ، رَابَاتُ التُّرْكَ (نعمانی، الغیبة، ص ۲۷۵).

۴. ن.ک: الواسع خویی، کتاب گلشن ابرار آذربایجان دوره ۳ جلدی (در این کتاب بیش از ۳۰۰ تن از عالمان و اسوه‌های تشیع در منطقه آذربایجان معرفی شده است).

خطه آذربایجان، حامیان امام حسین

ایرانیان در سپاه امام حسین در روز عاشورا نیز حضور چشم‌گیر داشتند. از جمله «اسلم بن عمرو» ایرانی تُرک‌تبار^۱ و شعر معروف «أَمِيرِي حُسَيْنٌ وَ نِعَمَ الْأَمِيرِ» را این ایرانی سرخ‌روی سروده است.^۲

در قیام مختار ثقفی که به خونخواهی امام حسین شهرت یافت، نیز شیعیان آذربایجان جزو پیشگامان کمک به انقلاب شیعی بودند. مختار به وسیله مردم ایران از جمله شیعیان «آذربایجان» تقویت مالی شد^۳ و حتی در سپاه او تعداد زیادی از «موالی ایرانی» و «سرخ‌رویان ایرانی» حضور داشتند^۴؛ البته پیش از آن نیز محبّان ایرانی امام علی با هجرت عاشقانه، گردآگرد وی جمع بودند به گونه‌ای که حضور «سرخ‌رویان ایرانی» حتی گاهی مورد اعتراض «اشراف عرب» نیز قرار می‌گرفت^۵. حضور پرشمار ایرانیان در سپاه مختار بعد از شهادت امام حسین نیز تکرار شد و یکی از عوامل پیروزی‌های مختار، استفاده وی از قدرت ایرانیان در مبارزه بود.

نوحه «زینب زینب» مؤذن زاده اردبیلی

سرخ‌رویان ایرانی، از زمینه‌سازان ظهور

البته تشیع در سه دوره متفاوت، «همپیمانی ایرانیان با تشیع عراقی» را تجربه کرده است: حضور پرشمار ایرانیان در گردآگرد امام علی، یاری مختار در خونخواهی امام حسین و سرانجام این واقعه قبل از ظهور نیز تکرار خواهد شد^۶ و شیعیان ایرانی زمینه‌ساز با مشارکت محور مقاومت شیعی عراق، جریان سفیانی - که حمایت مثلث شوم «غربی عبری عربی» را با خود به همراه دارد - در سرزمین عراق شکست سختی خواهند داد. زیرا با تهدید اماکن و مراکز مقدسه شیعی توسط لشکر متخاصم خارجی، امنیت و ژئوپلیتیک شیعه به خطر افتاده، از اینرو، دلیرمردان ایرانی و زمینه‌سازان ظهور برای دفع خطر دشمن متجاوز که تا نزدیکی مرزهای ایران نیز پیشروی نظامی داشته، وارد عراق خواهند شد و جنگ شدیدی رخ می‌دهد^۷ و لشکر نظامی ایران^۱ با همکاری محور مقاومت شیعی^۲ (به رهبری سید خراسانی و یمانی)، دشمن متجاوز را در عراق شکست خواهد داد.^۳

۱. مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۹، ص ۳۲۶.

۲. السماوی، إِبْصَارُ الْعَيْنِ فِي أَنْصَارِ الْحُسَيْنِ، ص ۹۵-۹۶. البته اقوال دیگری در انتساب این شعر حماسی مطرح است (ری‌شهری، شهادت‌نامه امام حسین، ج ۲، ص ۱۴۶).

۳. اَنَّ الْمُخْتَارَ ... الطَّلَبَ بِدَمِ الْحُسَيْنِ ... وَ قَوْمٌ كَثِيرٌ مِنْ أَثْنَاءِ الْعَجَمِ ... كَانُوا يُسَمُّونَ الْحَمْرَاءَ (ابن قتیبه دینوری، الأخبار الطوال، ص ۲۸۸).

۴. المختار ... تجبى اليه الأموال من السواد و الجبل و أصبهان و الري و اذربيجان (ابن قتیبه دینوری، الأخبار الطوال، ص ۲۹۹).

۵. جَاءَ الْأَشْعَثُ فَجَعَلَ يَتَخَطَّى النَّاسَ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ غَلَبَتْنَا هَذِهِ الْحَمْرَاءُ عَلَى قُرْبِكَ يَعْنِي الْعَجَمَ (ابن ابی الحديد، شرح نهج البلاغة، ج ۲۰، ص ۲۸۴).

۶. در «موسم اربعین» که حلقه اتصال عاشورا و مهدویت است، نیز شاهد همپیمانی ایرانیان با تشیع عراقی هستیم و البته این امر مسبوق به سابقه است. زیرا عطیه، که نام وی را امام علی بر او نهاده بود: هذا عطية الله (قمی، سفينة البحار، ج ۶، ص ۲۹۶) و سالها در ایران زندگی می‌کرده (ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۰۵) از اولین زائران امام حسین به شمار می‌رود و به نوعی این افتخار نیز نصیب ایرانیان شده است که «اولین زائر اربعین» امام حسین از مردم، شیعه ساکن ایران به همراه جابر صحابی پیامبر بوده است.

۷. فَتَكُونُ بَيْنَهُمْ مَلْحَمَةٌ عَظِيمَةٌ ... وَ تَهْرُبُ خَيْلُ السُّفْيَانِي فَعِنْدَ ذَلِكَ يَتَمَنَّى النَّاسُ الْمَهْدِيَّ وَ يَطْلُبُونَهُ (متقی هندی، كنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۸۸).

نائبان امام مهدی در منطقه آذربایجان

طبق گزارش‌های کهن، شیعیان آذربایجان از دیرباز در انتظار ظهور «مهدی موعود» بوده‌اند^۴ و جزو پرچمداران «تشیع علوی، حسینی و مهدوی» در ایران به شمار می‌رفتند^۵. حضور نائبان و وکلای امام مهدی تحت پوشش نسازمان وکالت» در خطه آذربایجان، شاهی بر این مدعا است. از جمله مشهورترین آنها، احمد دینوری وکیل امام مهدی در منطقه اردبیل^۶ و قاسم بن علاء ساکن ناحیه آذربایجان^۷ و وکیل و نائب امام عصر در دوران غیبت صغرا است؛

داستان عجیب و شگفت‌آور قاسم بن علاء آذربایجانی و دعای طلب فرزند از امام مهدی خود قصه‌ای پرغصه همراه با بیم و امید است. وی مدت ۱۱۷ سال عمر کرد! ۸۰ سال آن با سلامت چشم و بینایی و بقیه عمر را در نایبانی سپری نمود؛ در سال آخر عمر خویش، نامه‌ای از سوی ناحیه مقدسه دریافت می‌کند که ضمن اعلان روز رحلت او به اذن الله هفت روز قبل از وفات، به اعجاز امام عصر از کوری شفا خواهد یافت. در میان مردم این خبر مشهور شد و سرانجام با قلبی زنده و دیده‌ای بینا، دار فانی را وداع گفت؛ بدن رهبر شیعیان آذربایجان را غسل دادند و در پیراهن حضرت هادی کفن کردند و جامه‌هایی را که از سوی حضرت حجت برایش رسیده بود، بر او پوشانیدند و دفن کردند رحمة الله علیه.^۸

۱. یَعِثُ السُّفْيَانِيُّ جَبِشاً إِلَى الْكُوفَةِ وَ عَدَّتْهُمْ سَبْعُونَ أَلْفاً فَيَصِيبُونَ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ قَتْلًا وَ صُلْبًا وَ سَبِيًّا فَيَبْنِيانَ هُمَا كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَتْ زَايَاتٌ مِنْ قَبْلِ خُرَّاسَانَ وَ تَطْوِي الْمَنَازِلَ طَبَا حَثِيثًا وَ مَعَهُمْ نَقَرٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ (نعمانی، الغيبة، ص ۲۸۰).

۲. السُّفْيَانِيُّ ... وَ يَبْعَثُ مَائَةً وَ ثَلَاثِينَ أَلْفاً إِلَى الْكُوفَةِ (حلی، مختصر البصائر، ص ۴۷۰. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۸۳) فَيَبْنِيانَ هُمَا عَلَى ذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَتْ خَيْلُ الْيَمَانِي وَ الْخُرَّاسَانِي (نبلی نجفی، سرور أهل الإيمان، ص ۵۲-۵۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۷۳-۲۷۴)

۳. يَدْخُلُ السُّفْيَانِيُّ الْكُوفَةَ ... وَ يُقْبِلُ الزَّايَاتِ السُّودَ حَتَّى تَنْزِلَ عَلَى الْمَاءِ {در روایت تفسیر عیاشی، به "ساحل دجله در عراق" ذکر شده است: وَ يَقْبِلُ زَايَةً مِنْ خُرَّاسَانَ حَتَّى يَنْزِلَ سَاحِلَ الدَّجْلَةِ (عیاشی، التفسیر، ج ۱، ص ۶۴) فَيَنْلُغُ مِنْ بِالْكُوفَةِ مِنْ أَصْحَابِ السُّفْيَانِي نَزُولُهُمْ فِيهِمْ يَوْمٌ ... وَ تُبْعَثُ الزَّايَاتُ السُّودُ بِالتَّبِيعَةِ إِلَى الْمَهْدِيِّ (سبوطی، العرف الوردی، ص ۱۲۰-۱۲۱)؛ تَهْرُبُ خَيْلُ السُّفْيَانِي (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۸۸)؛ إِذَا هَزَمَتِ الزَّايَاتُ السُّودَ خَيْلُ السُّفْيَانِي ... تَمَنَّى النَّاسُ الْمَهْدِي فَيَطْلُبُونَهُ (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۹۰)؛ السُّفْيَانِيُّ ... فَيَبْعَثُ جَبِشاً إِلَى الْعِرَاقِ ... عِنْدَ ذَلِكَ تَخْرُجُ زَايَةٌ مِنَ الْمَشْرِقِ ... فَيَسْتَنْقِذُ مَا فِي أَيْدِيهِمْ مِنْ سَبَى أَهْلِ الْكُوفَةِ وَ يَقْتُلُهُمْ (دانی، السن الواردة فی الفتن، ص ۲۶۸)؛ در تفسیر مجمع البیان نیز به شکست لشکر نظامی سفیانی تصریح شده است: السُّفْيَانِيُّ ... فَيَبْعَثُ ... جَبِشاً ... حَتَّى يَنْزِلُوا بِأَرْضِ بَابِلَ مِنَ الْمَدِينَةِ الْمَلْعُونَةِ بِغْنَى بَعْدَادَ ... ثُمَّ يَنْحَدِرُونَ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَحْرَبُونَ مَا حَوْلَهَا ... فَتَخْرُجُ زَايَةٌ هُدًى مِنَ الْكُوفَةِ فَتَلْحَقُ ذَلِكَ الْجَيْشَ فَيَقْتُلُونَهُمْ ... وَ يَسْتَنْقِذُونَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ مِنَ السَّبَى وَ الْغَنَائِمِ (طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۲۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۸۶).

۴. گزارش‌های تاریخی بیانگر این است که از قرن چهارم، شیعیان اصیل منطقه «بذ» آذربایجان در جنوب رود ارس، با اعتقاد به ظهور امام مهدی زندگی می‌کردند و بر آداب و تمایلات شیعی اصرار داشتند: يتوقعون المهدی (خزرجی، الرسالة الثانية لأبي دلف، ص ۴۸. قزوینی، آثار البلاد، ص ۵۱۱. حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۶۱).

۵. شاهمرادی، فرهنگ انتظار در تاریخ اجتماعی تشیع آذربایجان، فصلنامه مشرق موعود، ش ۳۶، ص ۹۲.

۶. طبری، دلائل الامامة، ج ۱، ص ۵۱۹.

۷. الْقَاسِمُ بْنُ الْعَلَاءِ بِأَذَرْبَيْجَانَ (طوسی، الغيبة، ص ۲۷۶)؛ بِمَدِينَةِ الرِّانِ مِنْ أَرْضِ أَذَرْبَايَجَانَ (طوسی، الغيبة، ص ۳۱۰).

۸. طوسی، الغيبة، ص ۳۱۰-۳۱۵.

یاران امام مهدی از منطقه آذربایجان

این ارادات و محبت شیعیان آذربایجان به خاندان اهل بیت که ریشه کهن و هزارساله دارد تا عصر ظهور نیز امتداد خواهد داشت. و در میراث روایی شیعی از تحرکات مردمی ترک‌ها در حمایت از آرمان امام مهدی در آستانه ظهور سخن به میان آمده است؛^۱ و طبق برخی احادیث، در هنگامه ظهور نیز افراد سرشناسی از اهالی آذربایجان^۲، در زمره یاران خاص امام عصر، قرار دارند.^۳

جمع‌بندی

در بررسی و فهم صحیح گزاره «آتش آذربایجان» قبل از ظهور، سه عامل و معیار مهم: الف. نقش آفرینی مخرب «اخوان التترک»؛ ب. شروع جنگ‌ها در «ماه صفر»؛ ج. راست‌آزمایی آن به همراه رصد «سلسله حوادث فتنه شام» قبل از اولین نشانه حتمی ظهور، حائز اهمیت است. آنگاه می‌توان به تصویر روشنی از وقایع هنگامه ظهور دست یافت.

زیرا در طول تاریخ در منطقه آذربایجان، جنگ‌های متعددی رخ داده است و هر جنگی، الزاماً به معنای وقوع رویدادهای منتهی به ظهور نیست؛ ضمن اینکه، واقعه «نار آذربایجان» را باید در کنار سایر حوادث قبل ظهور نگریست تا به فهم روشنی دست یافت زیرا نگاه مجزا و مستقل به حوادث کشورهای عصر ظهور، موجب برداشت‌های اشتباه می‌شود. زیرا نشانه‌های ظهور، «قطعه‌های مختلف یک پازل» است که باید در کنار هم نگریست. بنابراین آتش آذربایجان را باید در ضمن رخداد‌های دیگر نگریست که مهمترین آن، وقوع حوادث «فتنه شام» منتهی به اولین نشانه حتمی (سفیانی) است. و آن آتش آذربایجان، قطعه‌ای از «پازل ظهور» است، که منجر به تنازع قدرت‌ها و جنگ جهانی شود.

اگر عصر، عصر ظهور باشد، باید در فتنه «آتش آذربایجان»، بی‌طرف بود

بنابراین آنچه از «آینده‌پژوهی مهدوی» مستفاد است، درگیری نظامی در آذربایجان، آتش جنگ و فتنه (نَار مِنْ أَدْرَبِیْجَان) قابل سرایت به سایر کشورها که تلاش‌های بین‌المللی برای توقف آن نیز کارساز نخواهد شد (لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ) و نیز به دلیل اینکه ترک‌ها از عوامل اصلی دخیل در تخریب آذربایجان هستند^۴؛ قطعاً یکی از دلایل اختلاف غربی‌ها با ترک‌ها^۵ در حوادث منطقه آذربایجان خواهد بود و به قرینه اینکه در گزارش جنگ «ولد عباس با جوانان

۱. ظَهَرَتْ لَوْلَايَ، رَأَيْتُ التُّرْكَ (نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۵).

۲. منطقه جابروان در آذربایجان شرقی (طبری، دلائل الامامة، ص ۵۵۷)؛ و منطقه قصور در آذربایجان غربی (ابن طاووس، الملاحم و الفتن، ص ۱۴۷).

۳. البته این احادیث که به «وطن اصحاب امام مهدی» اشاره کردند (صمدی، آخرین منجی، ص ۲۱۰-۲۱۱)، از قوت سندی برخوردار نیستند و از نظر دلالتی نیز به معنای انحصار یاران امام مهدی در افراد نام‌برده شده نیست (ری‌شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۸، ص ۳۷۲).

۴. لِلتُّرْكَ خَرْجَتَانِ: خَرْجَةٌ مِنْهَا خَرَابُ أَدْرَبِیْجَانٍ، وَ خَرْجَةٌ يَخْرُجُونَ فِي الْجَزِيرَةِ (ابن طاووس، الملاحم و الفتن، ص ۱۹۱).

۵. يَتَخَالَفُ التُّرْكَ وَ الرُّومُ وَ تَكْثُرُ الْحُرُوبُ فِي الْأَرْضِ (طوسی، الغيبة، ص ۴۶۳).

ارمنی و آذری» نیز از کلیدواژه‌های مشترک با جنگ جهانی (قتل آلف آلف، موت احمر و طاعون) استفاده شده است^۱، بیانگر این است آتش جنگ در منطقه آذربایجان در کنار اختلاف ترکها با رومی‌ها و نیز در کنار حوادث فتنه شام در شرق سوریه قرقیسیا، از عوامل شعله‌های شرارت آتش «جنگ جهانی قبل ظهور»^۲ است.^۳

ضمن اینکه آتش آذربایجان، طراحی چندبُعدی به منظور عملیات ایدایی، بحران‌سازی و تأثیر منفی بر امنیت مناطق در مرزهای شمالی ایران است؛ بنابراین، استراتژی شیعه و دیپلماسی زمینه‌ساز پیرامون «جنگ منطقه آذربایجان» در عصر ظهور، باید مبتنی بر «بی‌طرفی» (فَكُونُوا أَمْخَاسَ بُیُوتِكُمْ) و در عین حال راهبرد امنیتی محور مقاومت شیعی، به دلیل وقوع این حوادث در آستان ظهور، باید مبتنی بر اوج «اقتدار نظامی قبل ظهور» (فَاسْعُوا إِلَیْهِ) در دفاع از کیان شیعه در تحولات حادثه‌خیز «جغرافیای ظهور» باشد.

نکته پایانی

گزاره «آتش جنگ آذربایجان قبل از ظهور» در میراث «آینده‌پژوهی مهدوی» از آوردگاه حدیثی، اعتبارسنجی سندی و محتوایی گردید. و صدا البته به دلیل مناقشه قره‌باغ و جنگ آذربایجان با ارمنستان، اهمیت و ضرورت بررسی و تحلیل سیاسی آینده بحران قفقاز جنوبی، دوچندان می‌شود. البته همانطور که بیان گردید، دیده‌بانی سیاسی و نظامی «کشورهای نقش‌آفرین و حادثه‌خیز»، در هر برهه‌ای از زمان، می‌تواند اهمیت استراتژیک و آینده‌پژوهانه، داشته باشد؛ زیرا اگر عصر، عصر ظهور باشد؛ مومنین هر لحظه باید مختصات خویش با ظهور را نسبت‌سنجی نمایند. ضمن اینکه استراتژی «محور مقاومت شیعی» نسبت به فتنه‌ها و جنگ‌ها و دسیسه‌های دشمنان قبل ظهور، اوج آمادگی نظامی قلمداد شده است.

حال اگر اساتید دانشگاه بخواهند «سناریوی جنگ آذربایجان» را در آینده ترسیم کنند، به چه نتایجی خواهند رسید؟ سپس نتیجه «تحلیل سیاسی» با سناریوی «آینده‌پژوهی مهدوی»، مقایسه و نقاط اشتراک و افتراق نیز نمایان شود.

در واقع پرسش اساسی این است: جنگ آذربایجان، آیا به شعله‌های آغاز جنگ جهانی اشاره دارد و یا در واقع تلمیحی است به نقشه تدارک حمله از سوی دشمن به مناطق شیعی و یا با اجازه قدرت‌های فرمانطقه‌ای - که هزاران کیلومتر دورتر از محل مناقشه هستند -، در نهایت طرف‌های درگیر به صلح و صفا رضایت خواهند داد؟ اساتید دانشگاه و متخصصین علم آینده‌پژوهی، مخاطب اصلی این پرسش هستند.

۱. حَرْبُ وَلَدِ الْعَبَّاسِ مَعَ فِتْنَانِ أَرْمِیْنِیَّةٍ وَ آذَرَبَیْجَانِ تِلْكَ حَرْبٌ یُقْتَلُ فِیْهَا الْوُفُّ وَ الْوُفُّ كُلُّ یَقِیْضٍ عَلَی سَیْفٍ مُحَلًی تَخْفُقُ عَلَیْهِ رَايَاتُ سُودٍ تِلْكَ حَرْبٌ یَشُوْهُهَا (یُسْتَبَشَّرُ فِیْهَا) الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ وَ الطَّاعُونُ (نعمانی، الغیبة، ص ۱۴۷. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۶. حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۵۴).

۲. قُدَّامُ الْقَائِمِ مَوْتَانِ: مَوْتُ أَحْمَرٌ وَ مَوْتُ أَبِیضٌ ... الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ السَّیْفُ وَ الْمَوْتُ الْأَبِیضُ الطَّاعُونُ (صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۵)؛ سند حدیث نیز معتبر است (ری‌شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۷، ص ۲۸۹).

۳. مراجعه کنید به: جنگ ولد عباس با ارمنی‌ها و شعله‌های جنگ جهانی

عناوین مرتبط

فتنه شام (سوریه) قبل از ظهور، رمزگشایی از بازیگران داخلی و بین‌المللی جنگ سوریه ([لینک](#))

سناریوی آینده عراق قبل از ظهور ([لینک](#))

ایران قبل از ظهور، مواجهه نظامی بعد از دو مرحله مطالبه حق ([لینک](#))

فلسطین قبل از ظهور، زمان جنگ شیعه با رژیم صهیونیستی، نابودی اسرائیل قبل یا بعد از ظهور ([لینک](#))

***مصطفی امیری، دانش‌آموخته حوزه علمیه قم**